

هشترودی - در جلسه گذشته اگر چه خارج از دستور است ولی بعضی از صحبت ها شد راجع بمسالك و در ضمن او بعضی مذاکرات شد چنانچه در روزنامه هم درج شده است حالا بنده میخواهم عرض کنم در نطق شاهزاده سلیمان میرزا میگویند که بعضی خواهند گفت که ما بیطرف هستیم من این لغت را نمی فهمم یعنی نه این پروگرام را قبول دارم نه آنرا پس لابد خودش يك سلبه ای دارد مثالش را هم میفرمایند که مسلك ما در انتخابات یا مستقیم است یا غیر مستقیم لابد یکی را قبول میکنند پس بیطرف ممکن نیست بنده تقدیس میکنم فرمایش شاهزاده را که توضیح داده اگر این معنی را نکرده بود که معنی بیطرف این میشود يك چیز نامعلومی در واقع این يك وجود مهملی است و هیچ همچو شخصی قابل وکالت نیست یا خودش هم قبول نمیکرد وکالت را و اگر قبول میکرد این خودش يك خوانتی بود به ملت خیلی خوب گفتند این را خیلی طرف ملاحظه است که بیطرف نه این را قبول دارم نه آن این يك وجود مهملی است بیطرف نمیشود ولی چون بنده نسبت باین مسلكهائی که گفته شد در این مجلس بیطرف هستم او را باید بگویم که مرا زداشته است بی طرف باشم در صورتی که خودم يك عقیده و مسلكی دارم و آن شاید پروگرام این فرقه باشد یا آن فرقه شاید یکی را مخصوصاً مسلك بنده است با ادله و براهین آن و در موقع خودش شاید دلیل و برهان آن را عرض کنم و آن هائی که آن پروگرام را نوشته اند بعضی براهین بگویم برای مسلك او که خود نویسنده تحسین بکنند و احتمال دارد که خیر يك چیز مستقیم خودم دارم آنهم ممکن میشود که بعضی از مواد او را که می دانم خوب است و بعضی از مواد اینرا هم گرفته ام و يك مسلكی را برای خودم درست کرده ام یا اینکه يك مسلكی برخلاف تمام اینها داشته باشم بنده ظاهراً بیطرف ولی باطناً از آن اشخاصی که مستقیماً يك مسلك سیاسی محکمی دارند با اعتقاد خودم دارم حالا همراه پیدانکرده ام اظهار نمی کنم و بکسی نمی گویم و در خزینه خودم نگاه داشته ام وقتی که آنها صحبت کردند در آن موادی که من قبول کرده ام یارد نموده ام در آن موقع یاردمی کنم یا آنکه قبول می کنم و می گویم صحیح است از برای مملکت این غلط است که بکلی من هیچ نباشم و بی طرف باشم اینرا وجود مهمل میگویند او مثل دیوار است مثل این صندلیها است مهمل است ولی بنده ظاهراً بیطرف شده ام مثل دیوار از فضا از وجود بنده از اول تا حال در کمپونها شاید عرض کرده باشم بعضی چیزها در جرح و تعدیل در مجلس وجود من ظاهراً نمایش دارد که نه این طرف هستم نه آن طرف و نه خودم يك چیزی دارم همچو ظاهرش نمایش دارد بنده شاید در این خصوص دفاع بکنم یعنی این جور شده ام و عمداً این جور شده ام لکن باید از خودم دفاع بکنم و اینکه من این جور کرده ام بعقیده خودم از آن کارهای صحیح مملکت است و هر کس هم بی طرف هست مثل بنده می توانم عرض کنم که کار صحیح کرده و اگر چه این صحبت را آن روز هم من خارج از موضوع می دانستم که شده است ولی چون شده است لابد عرض

کنم این جور شخص خودش را بی طرف نشان دادن يك وقت اختلافات دو طرف را اختلاف مسلكی می داند همیشه فهمیده است که بعضی چیزها نيکه مسلكی نیست صلاح خودش را همچو دانسته است که راضی در يك مسلكی بشود در صورتی که مسلكش با يك طرف مساوی است بعضی مسلك با يك طرف است یا این طرف یا آن طرف لکن ذهنش كج رفته است و همچو فهمیده است که آنچه آنها می گویند مسلك خودش است بلکه خوب هم گفته است زیرا عقیده خودش است و بیباکیزه تر چیزی اعتقاد نمی کند می گوید عقیده من با کتر است از همه چیز از این دو مسلك یا سه مسلك یکی را اخذ کرده است یا تر از همه چیز می داند لکن مخالفت های این دو فرقه را مخالفت مسلكی ندانسته و داخل آن اشخاص صاحب مسلك نشده است اگر باین معنی بی طرفیم شاهزاده سلیمان میرزا ناخاست بکنند بنده عرض میکنم از تمام اشخاص این مملکت بهترین اشخاص این آدم است که وقتیکه دانست اختلاف آن اختلاف مسلكی نیست و رفت داخل شد پیشرف رین تمام مردم است و نباید رفت و از امروز بنده مجلس را تقدیر میکنم و این را در انقاس فدسه و الاحضرت افای نایب السلطنه می دانم و تقدیس می کنم زیرا از امروز بنده می بینم که این مجلس از غرض حالی است یعنی غرض شخصی نیست بنده کم من اینطور است که در غرض غرض مسلكی بوده است غرض مسلكی خواهد شد و آن مسلكی هم که هم مسلك بودم تعاقب می کنم ناچار از آن طرف خواهم بود و طرفداری می کنم اگر کسی دیگر دنبال این را نکرده است هیچ بنده تمام و ادله و اقرار این که از طرفین دارم که خودشان اقرار کرده اند در يك جائی و شاید در همین جا که اختلاف اختلاف مسلكی نیست اینرا می آیم با فلسفه ابراز می کنم و اگر کسی اظهار نکرد و این مطلب را ختم کردند که من هم تقدیس می کنم از اینکه از امروز اختلافات مسلكی است و من هم داخل مسلك سیاسی خواهم شد و طرفداری هم میکنم ولی اگر کسی حرف دارد با حرف بنده نا حالا اجازه بخواهم و بگویم (اظهاری نشد و حرکت کردند نمایندگان)

نایب رئیس - آقایان تحمل بفرمائید عرض کنم چون مجلس کار بسیار دارد و کارها متراکم شده است جلسه آتی فردا دو ساعت بفریب اطلاع می دهم که جلسه علنی است .
مجلس سه و ربع از شب گذشته ختم گردید .

جلسه ۲۱۴

صورت مشروح روز چهارشنبه

۲۲ شهر صفر ۱۳۲۹

مجلس سه ربع قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ممتاز الدوله تشکیل شد صورت جلسه روز سه شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود .
(غائبین جلسه قبل)
آقای حسنعلی خان - حاج وکیل الرعایا - سپهبد اعظم - آقا سید محمد باقر ادیب بلا اجازه .
حاجی سید نصرالله - ادیب التجار - بلا اجازه .
آقا میرزا مرتضی قلیخان - دهخدا - دکتر -

حیدر میرزا - سردار اسعد - در موقع مقرر حاضر نشده اند
لسان الحکماء - لواء الدوله مریض بودند .

رئیس - آقای حاجی عز الممالک در صورت مجلس فرمایشی هست .

حاجی عز الممالک - آقا سید محمد باقر ادیب را بنده اطلاع دارم که مریضند و از این جهت غیبت کرده اند دیگر اینکه امتناع کنندگان هم باید اسامیشان در صورت مجلس نوشته شود .

رئیس - در آن مسئله اولی که فرمودید آقای ادیب باید بنویسند و اجازه بخواهند .

آرباب کیخسرو - آقای آقا سید محمد باقر ادیب اجازه نامه نوشته بودند و فرستاده اند و در آنجا هم قرار بود که اطلاع بدهند که با اجازه بنویسند نمیدانم چه شده است که نوشته اند اجازه شان رسیده است .

رئیس - دیگر ملاحظه در صورت مجلس نیست (چون اظهاری نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود)

معاضد الملک - در خصوص امتناع کنندگان چون در نظامنامه داخلی فقط تصویب کنندگان و رد کنندگان را نوشته است از این جهت امتناع کنندگان را در این جا درج نکردیم راپورت کمیسیون و این راجع بقانون محاسبات قرائت شد .

ماده ۶۲ و ماده ۱۴۰ که از مجلس بکمیسیون رجوع شده بود در تحت مذاکره در آورده و بترتیب ذیل اصلاح و بمجلس پیشنهاد مینماید :

ماده ۶۲ - هر گاه مدتی که از طرف دیوان محاسبات معین شده منقضی شود و صاحب جمع مزبور صورت حساب را تسلیم ننماید دیوان محاسبات میتواند بجرم این تأخیر او را محکوم بیک جزای نقدی نماید که از نصف مواجب و مدد معاش سالپانه و با حق الجماله متجاوز نباشد و نیز میتواند نسبت با اهمیت موقع انفصال موقتی و یا عزل دائمی او را از وزارتخانه متبوعه اش بخواهد این پیشنهادات با شرایط نظارت و ریاستی که ادارات دولتی نسبت بمأمورین خود دارند منافات نخواهد داشت اگر چنانچه صاحب جمع با زهم از ارائه حساب امتناع نماید بحکم دیوان محاسبات حساب صاحب جمع با اهتمام مدعی العموم مرتب و بدیوان محاسبات تسلیم میشود که پس از رسیدگی در باره آن حکم صادر کند هر نوع خارجی که از این بابت حاصل شود بمعهده صاحب جمع است .

فهییم الملک - اول این ماده را بطوریکه عرض می کنم اصلاح بفرمائید . دیوان محاسبات میتواند بجرم این تأخیر امر نماید - مبلغی که از نصف مواجب و مدد معاش سالپانه و با حق الجماله متجاوز نباشد و آن جمله « او را محکوم بیک جزای نقدی نماید » حذف شود .

حاجی سید ابراهیم - اینجا مذاکره در این ماده شد باعتبار همان لفظ جزای نقدی بر گشت به کمیسیون و آقای آقا سید حسن اینجا بیان فرمودند که جزای نقدی چون در شرع نداریم از اینجهت باید برود بکمیسیون و اصلاح بشود و بنده بر خلاف ایشان عرض کردم جزای نقدی در شرع خیلی داریم اگر مرادشان این است که برای صاحب جمع جزای نقدی معین نشده برای خیلی چیزها بالخصوص جزای

نقدی وضع نشده است بنده عرض می کنم که در خیلی از جاها معین شده است کسی که روزه را بخورد باید کفاره بدهد این خودش یک جزای نقدی است .

رئیس - مذاکرات امروز غیر از مذاکرات روز گذشته است حالا شما میخواهید که آن مذاکرات را تجدید کنید .

حاجی سید ابراهیم - بنده میگویم اگر کمیسیون هم حذف کرده است باید باشد .

رئیس - این را می توانید پیشنهاد بکنید حالا در این ماده اگر فرمایشی دارید بفرمائید .

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم باید لفظ جزای نقدی اینجا باشد واد می توانیم بگوئیم که قانون دیوان محاسبات که تصویب شد تمام علماء آنرا قبول کرده اند ما بواسطه اینکه ندانسته ایم آنرا رد کرده ایم و جزای نقدی در شرع بوده است و ما باید آنرا بکنیم جزای نقدی می خواهد و آقای مختبر ملتت نشده اند اگر بخواهیم بگوئیم جزای نقدی نباشد باید بگوئیم که آنچه سابقین در جزای نقدی نوشته اند لغو شده و باب سیاسیات شرعیه را هم در کفارات و غیره منکر بشویم .

حاج شیخ الرئیس - بنده موافقم با آقای آقا سید حسن مدرس که عاملند و نظریات حاجی سید ابراهیم را تنقید میکنند باینکه بلی البته در احکام شرعیات در موافق و مواضع متعدده چنانچه خاطر کسانی که متخص است در احکام شرعیه مستحضر ندولی این را عرض میکنم توجه بفرمائید که گویا شبهه و عین قیاس میشود و اینکه مایک عنوانی را که در تحت یک عنوان کلی است و دره و انواع دیگر ابتدا مشابهت و مشاکلت باین مواد ندارد تشبیه بکنیم مثل یاره تضمیناتی بعنوان شرعی با اصطلاح فقها بعنوان مالم یجب بعضی از فقها میدانند حالا در بعضی از ادارات صادر کیفیت جریان امور دیوانی سابق هم بوده است و حالا هم معمول است یا در بعضی از دول اجرامی کنند بکنند ولی بنده هیچ نمی توانم اسم جزای نقدی را در قوانین موضوعه در مجلس مقدس بشنوم و تجویز و تصویب کنم .

آقا شیخ ابراهیم - بنده در عبارت آخر ماده عرض می کنم که پس از رسیدگی در باره آن حکم صادر کنند چون در حقیقت این عبارت از حکم غیبی خواهد بود آیا با حق اعتراض خواهد داشت یا خیر اینجاست باید از آنجا که حق اعتراض خواهد داشت چون او خودش حاضر نیست مدعی العموم حاضر است از طرف او نباید حق اعتراض در این حکم را داشته باشد .

فهییم الملک - حق اعتراض همانطوری که در سایر احکام معین شده برای او هم خواهد بود ولی یک مدتی معین شده است برای اظهار اعتراض که هر گاه در آن مدت اعتراض خودش را نکرد دیگر حق او ساقط خواهد شد .

آقا شیخ رضا - بنده موافقم با آقای حاجی سید ابراهیم آن روز هم خدمت آقای آقا سید حسن مدرس و آقای امام جمعه عرض کردم و تصدیق کردند که آنطور صحیح است و حالا هم عرض میکنم ولی

یک اشکالی در اظهارات آقای حاجی سید ابراهیم بود که گویا ملاحظه نفرمودند آن این است که در شریعت ما بلکه در تمام ادیان و شرایع جرائم نهایت بشکل دیگر و نوع دیگر بوده است بمنوانات مختلف از کفارات و فیه و کفارات همین طور است که چه در دین ما چه در ادیان دیگر کفارات همان جرائم است ولی درجائی که از طرف آن شرع یک جریمه در یک موردی قرار گذاشته شده است تا بنین نمی توانند در بین خودشان یک جریمه کفاره از پیش خودشان قرار بگذارند این توجه لازم بود و آقای حاجی سید ابراهیم نفرمودند ولی این اشکالی که اینجا شد اگر این صحیح است باید جواب داده شود و آن این است که در آن مواردی که قرار گذاشته است صحیح نیست مگر در صورت چنانچه است که اگر جعل میکنند که فلاکس فلان کار را برای دولت بکنند اگر کرد فلاکس را باومیدمد اگر نکرد نمی دهد برای اینکه این حق و مز دکار است و در غیر جماله که یک حقی ندارد نه از بابت این است که یک کاری بعنوان جماله برای او کرده اند از بابت این است که یک کار دیگر و مقام و منصب دیگری دارد که آن حق را دولت باو میدهد اگر حق است (یک دفعه یک چیز باطلی است مثل این حقوقی که میبرند و او هیچ چیز نیست) اگر این حق باشد یعنی در مقابلش یک عملی باشد که باید آن عمل را این شخص بعهده گرفته بکنند و با وجود مشغول شدن بان عمل نمی تواند معاشی از برای خودش تهیه بکنند که کفایت او و خانواده او را بکنند در آن صورت لازم است که دولت یک مواجی برای او مرر کند که معاش او بشود و این محققاً یک چیزی است مشروع و یک حقی است در مواد که باید داده شود از راه چطور میشود که بعنوان جریمه بدهد پس در آن صورت هم ممکن نیست که جریمه بکنیم پس این یک چیزی نیست که منحصر بشود بصورتی که از کیسه او ما بگیریم جریمه را خیر چیزی که دولت حقا باید باو بدهد اگر ندهیم باز آن جریمه خواهد بود و باید بگیرد و لکن آن چیزی که بنظر من صحیح و مجوز آن مطلب است آن چیزی است که خدمت آن دو بزرگوار عرض کردم که چون این وجه جرایم و سایر چیزهایی که مشروع یا غیر مشروع دولت از رعیت و افراد دولت خود میگیرد لابد صورتش باین است که اینها را در مصارفی که مصالح مسلمین است صرف بکنند پس دولت در همان وقتی که با آن صاحب جمع میخواهد این قرار را بگذارد باو میگوید که تو این را بعهده بگیر بعنوان اینکه نه اگر این کار را صورت ندادم اینقدر بدولت بدهم که در آن مصارف مسلمین صرف بشود چونکه آن مصارف مصالح مسلمین است و آن صاحب جمع اگر بعهده بگیرد صحیح است و یک تعهدی است صحیح و یک مجور است شرعی دیگر هیچ اشکالی باقی نمی ماند فقط یک که گفتن دولت دولت اسلامی است و یک که گفتن هم هیچ اشکالی ندارد و مجوز صحیحی است .

حاجی آقا - بنده هیچ نفهمیدم که چطور شد که این مذاکرات بعمل آمد و حال آنکه این ماده که آمده بکلی مغایر آن چیزی است که سابق بود

فهییم الملک - خاطر آقایان را متذکر

یک مطلبی از کمیسیون آمده بود و یک فرمایشی آقای آقا سید حسن و آقای امام جمعه فرمودند و تصدیق شد و بر گشت بکمیسیون و کمیسیون تقریباً نظر ایشان هم تصدیق شد و عبارت هم تغییر داده شد و بهجس آمد اگر چه نظر کمیسیون هم همان نظر آقایان بود و لکن برای آنکه بهتر توضیح شود عبارت را تغییر دادند و بهجس آوردند بدین معنی است که آقایان هم آنروز نظرشان این بود که باید یک مجوز شرعی داشته باشد البته گرفتن یک مقداری از مال یک نسی بدون مجوز شرعی هیچوقت نمیشود گرفت حتی آن جرائم شرعیه هم که میفرمایند بآنها بدون مجوز شرعی نمیشود گرفت پس دولت هم یک التزامی بکسی بکنند که یک معارف از مال خودش را بدهد پس باید مجوز شرعی باشد که بگریه یک مقدار ارمال نسی را می شود گرفت صحبت در این بود که عبارت را باید یک طوری نوشت که اسباب اشکال نباشد و آقایان نظریاتی داشتند تصدیق و یک ممداری هم واضح تر نوشته شد دیگر جای این مذاکرات نیست .

آقا شیخ رضا - چیزیکه در اینجا موضوع شده است فقط اینست که یک جریمه از کیسه او بگیرند به ارمدد معاش و نه از حق الجماله فقط آن چیزیکه از کیسه او هست از او بگیرند بنده عرض کردم آن اشکال تنها در آن صورت بان وارد نبود اگر از آن حقی هم که باو باید بدهند بدار آن بابت هم بگیرند اشکال دارد مگر آنکه آنرا باطل بدانند پس در هر حال این اشکال وارد است و این تفسیر دادن هیچ حجت ندارد پس اگر میبایست که یک مجوز شرعی پیدا بکنیم و آنرا در اینجا قید بکنند باید هیچ تغییر ندهند چنانچه آقای حاج سید ابراهیم گفتند برای اینکه اگر جزا نباشد در میان لایه خلق از تصدیق دست نمیکشند لکن یک مجوز شرعی میخواست که آنها پیدا شد .

محمد هاشم میرزا - بعقیده بنده آقای حاجی سید ابراهیم را نکنداشند ادله خودشان را بگویند این ردی را که کردند راجع بفرمایش ایشان نبود و اگر می بایستی موضوع بحث نشود خود ایشان را هم نمی بایست اجازه داد و الا خود آقای حاجی سید ابراهیم هم آنروز که در کمیسیون آمده بود نظرشان این بود که بدون مجوز شرعی نمیشود از بیاناتی که کردند راه مجوز شرعی بود آقایانیکه در مجوز شرعی اشکالی داشتند می دانند که این رد نشد و آنروز هم همین قدر بکمیسیون رفت نه اینکه ردد شده باشد همینقدر نا تمام ماند اگر باید موضوع بحث شود اجازه بدهید خود آقای حاجی سید ابراهیم ادله شانرا بگویند والا یک لفظ جرائم گفتن و رد کردن ایشان مقتضی نیست گفتند جریمه با مجوز شرعی نه مقصود مطلق جریمه بدون مجوز شرعی است اگر باید مذاکره بشود که اجازه بدهید اگر نه که خارج از موضوع است و رای بگیریم .

رئیس - بنده این مطلب را حالا در این ماده خارج از موضوع می دانم پریروز خارج از موضوع نبود آقای دیگر امروز خارج از موضوع است خواهش دارم هر کدام از آقایان نظریاتی در خود ماده دارند بفرمایند که خارج از موضوع نشوند .

فهییم الملک - خاطر آقایان را متذکر

می شوم اینکه این ماده پریروز در آن ملاحظه شد و بر گشت بکمیسیون علتش این بود که نوشته بود اگر صاحب جمع مدد معاش نداشته باشد موجب از دولت نداشته باشد پس چگونه می توان او را جریمه کرد لکن آن یک جمله ای بود و آن جمله اساساً حذف شد و مذاکره راجع بان قسمتی می شود که آنها از مقداری که برای آنها معین می شود و حق الجماله می گویند از آنها بردارند و علاوه کردیم بر آن مدد معاش و حق الجماله و آن جمله ای که مدد معاش نداشته باشد بکلی حذف شد حالا این مذاکرات و مباحثات که می شود راجع بجمله ایست که اینجا نیست و آنچه که هست مذاکره راجع بان نیست .

حاج سید ابراهیم - بواسطه همین عبارت بر گشت بکمیسیون برای اینکه گفتند جزای نقدی برای مواردی که صاحب جمع مدد معاش و حقوقی ندارد و نظر بر این بود که در این مسئله اشکال شده که آیا همچنین مواردی داریم برای خدمت باند داریم اگر داشته باشیم در صورتیکه مجانی خدمت کنند چرا جزای نقدی بدهد مقصود بنده این نیست مقصود بنده این بود که ترتیباتی که در قانون مطبوعات قرار داده شده است در راپورت کمیسیون هم در اول ماده یک مجوز شرعی برای آن قرار داده بود که عبارتش را الان بخوانم معلوم میشود که التزام در اول امر باین ترتیب که بعد خواهد آمد و جزای نقدی برای اوفزار دادن هیچ منافاتی ندارد چون خواستم عرض کنم این ترتیب جریمه هیچ منافاتی با شرع ندارد توهم کرده اند و در خارج بعضها خیال کرده بودند که این مخالفت با شرع دارد بنده مخالف بودم و عقیده ام این است که موافق با شرع است دلیل بر این یکی باب کفارات است یکی هم مثالهای جزایی است در شرع که جزای نقدی معین کرده اند بعضی موارد یک مثقال طلا بعضی موارد نیم مثقال بعضی موارد ربع مثقال صلا معین کرده اند اگر بگوئیم که این ترتیب را قبول نکنیم و بر سر گرد بکمیسیون و توهم برود که بجهت مخالفتش با شرع بوده است این را خواستم بکنم که قانون مطبوعات بهمین ترتیب یعنی بهمان مجوز شرعی و التزام در اول اگر نوشته است که ممکن است که آنها محکوم بمجازات شوند و بنظر تمام علماء هم رسیده است حتی آقای امام جمعه هم آنوقت تشریف داشته اند که نوشته شده است و حتی آقایان آیات الله نجف هم ملاحظه فرموده اند و تصدیق کرده اند که مخالفتی با شرع ندارد حالا کار نداریم بعضی صاحبان روزنامهجات را که مجازات نمیدهند پس نباید گفت بان ترتیب جزای نقدی گرفتن خلاف شرع است .

آقا محمد - اگر بنا شود این محل بحث واقع شود عرض میکنم تمثیل بکفارات قیاس مع الفارق است مسئله کیفیت کفارات آنها را شلوع قرار داده است دخلی بهما ندارد وقتی که ملاحظه میکنیم می بینیم قیاس مع الفارق است برای اینکه کفاره را که میگویند بجعل شارع است و نانیاً کفاره معصیت است و اینکه جزای نقدی قرار داده اند در راپورت کمیسیون اگر بگویند از طرف شارع است که چنین چیزی نیست نمیدانم چه چیزی قرار داده اند و محققاً از طرف شارع نیست و اگر ما خودمان میخواهیم قراری بدهیم قراری که ما خودمان میخواهیم بدهیم اگر بگوئیم از آن چیزی

می شوم اینکه این ماده پریروز در آن ملاحظه شد و بر گشت بکمیسیون علتش این بود که نوشته بود اگر صاحب جمع مدد معاش نداشته باشد موجب از دولت نداشته باشد پس چگونه می توان او را جریمه کرد لکن آن یک جمله ای بود و آن جمله اساساً حذف شد و مذاکره راجع بان قسمتی می شود که آنها از مقداری که برای آنها معین می شود و حق الجماله می گویند از آنها بردارند و علاوه کردیم بر آن مدد معاش و حق الجماله و آن جمله ای که مدد معاش نداشته باشد بکلی حذف شد حالا این مذاکرات و مباحثات که می شود راجع بجمله ایست که اینجا نیست و آنچه که هست مذاکره راجع بان نیست .

که میگیرد بگیرند آن عیب ندارد باین شرط که نمیگیرند باینکه مستحق نیست یک کاری میکنند که آن بولی که باید ببرد ببرد و این همچو مسئله هم نیست الا اینکه بخواهیم باین جزای نقدی دستی چیز بدهیم بچوچه از برای او مجوز شرعی نمیتوانیم پیدا بکنیم مگر اینکه در ضمن عقد خارج لازمی آن عیب ندارد اما این ربطی بعقوبت جزای نقدی ندارد و لیکن وقتی که در اینجا نوشته شده است که پس از قرار اجرت و تسامح در کار محکوم یک جزای نقدی بشود که از آن حق العمل یا حق الجماله اش بخواهند چیزی کسر بکنند آن ضرری ندارد بجهت اینکه شرعاً مستحق این اجرت است و حق الجماله است و شرط میکنند که از او کسر شود و اگر چه شرعاً استحقاق ندارد چنانچه ظاهر است که غالباً عمل نمیکند و مستحق چیزی نیستند بنده یک شرطی میکنم که هیچ در مقابل هیچ این را بنده نمی فهمم و ضمان مالم بجهت در شرع ما نیست .

رئیس - مذاکرات در این ماده کافی است ولی عده برای اینکه بتوانیم رای بگیریم کافی نیست اگر لازم میدانید مذاکره بشود بفرمائید .

وکیل التجار - بنده فقط میخواستم عرض بکنم که این معجنی است که داخل شدن در آن بیعمل است اما یک چیزی بود که زیاد بود میخواستم برداریم برداشتم و همان طوری که گفته شد وقتی که ما میخواهیم یک کاری را بیک کسی واگذار بکنیم شرط بکنیم که این مطلب را اگر بان شرایط انجام ندهد آن حقوق را باو ندهیم و کسر بکنیم این هیچ جایش عیب ندارد میتوانیم آن حقوق را از او پس بگیریم و با حقوق ندهیم این غیر از این است که از او پس بگیریم حالا هیچ این مذاکرات راجع باین ماده نیست بحث دیگری است و مسئله ایست که خیلی اهمیت ندارد این ربطی باین ماده ندارد .

رئیس - بنده آن نظرم این است که این یک معجنی است که باید در آن مذاکره شود اما در این مجلس خیر بواسطه اینکه در این مجلس میخواهیم در این ماده ای که پیشنهاد شده است در این مذاکره شود از دائره این ماده خارج نشویم ولی آن مسئله که می فرمائید در باب شرط یک مسئله است مهم باید خیلی گفتگو بشود و یک قرار اساسی باید در آن داده شود ولی با رعایت قوانین شرع آن یک مسئله است علامه و این مسئله و این موضوع چنانچه خدمت حضرات عالی عرض کردم از این ماده خارج است و در موقعی که آقای حاج سید ابراهیم نطق می کردند عرض کردم مذاکره در این ماده کافی است پس حالا در این ماده مذاکره کافی است لکن چون نمی توانیم رای بگیریم میگذاریم تا عده کافی شود پس حالا ماده صد و هجده خوانده میشود ماده ۱۴۰ - مقرری اعضاء دیوان محاسبات و دفتر دار کل و مدعی العموم بقرار ذیل است رئیس کل یک ماهه . ۱۸۰ - قران - رؤسای محاکم و مدعی العموم نفری یک ماهه - ۱۳۰۰ - قران - مستشاران کل یک ماهه ۱۰۰۰ - قران - ممیزین یک ماهه ۸۰۰ - قران

افتخار الواعظین - بنده آن روز هم عرض کردم و امروز هم عرض میکنم و بر عقیده خودم تا نیمه اگر چه در مبلغ دیوان محاسبات را می گرفته شد و در این را می دانیم و مهمند عرض

می کنم که خوب است وقتی که مجلس شورای ملی از برای هر کس حقوق منظور می دارد نمایندگان ملاحظه وظایف و تکالیف او را هم بفرمایند و در مقابل آن وظایف و آن تکالیف که از برای او معین می شد حقوق معین بفرمایند اگر چنانچه واقف آنچه در دیوان محاسبات نوشته شده است و ما تصه بب کرده ایم اجرای این وظایف را از این اعضاء کلا می خواهیم و منتظریم که تمام عایدات و تمام مصارف مملکت با ترتیب قانونی و در محاسبه و رسیدگی آنها بگذرد باز بنده عرض میکنم که از برای کسی که از عهده اداء این وظایف بر آید که اسمش رئیس دیوان محاسبات خواهد بود و باید ۲۶ کرور مالیات ایران را رسیدگی کند بنده برای او در طهران با معاش امروزه مبلغ صد و هشتاد تومان حقوق را کم می دانم و عرض میکنم از برای اشخاصی که در وزارتخانه ها مواجی قرار دهند بنده باشخاص کار ندارم بمقام مدیریت یا مقام دیگری از مقام اعضاء وزارت خانه ها کار دارم و عرض میکنم از برای کسانی که وظایف و تکالیف آنها خیلی از رئیس دیوان محاسبات کمتر است ما دوست و دوست و پنجاه و سیصد تومان حقوق می دهیم و سراج دارم بعضی از معاونین وزارت خانه ها را که ماهی سیصد تومان حقوق دارند در مقابل این وظایف از برای رئیس دیوان محاسبات بنده یکصد و هشتاد تومان را کم می دانم .

حاج سید ابراهیم - بنده مخالف اولاً هیچ معاونی در وزارتخانه ها سیصد تومان حقوق ندارد و دوست و پنجاه تومان هم ندارد اگر می فرمائید در بودجه نوشته است بودجه که آمد دوست تومان هم مشکل است تصویب کنند نمی کنند برای اینکه بر آورد بودجه را می دانند و اما در باب این ماده بعنوان قانونی باشد که بگوئیم رئیس دیوان محاسبات مطابق با رئیس اول محکمه است عرض می کنم که این را دوست رای بگیریم که یقین شود پولش هم بقدر است بنده عرض میکنم که پس از اینکه بودجه بمجلس بیاید و ترتیب بودجه وزارتخانه ها را دیدیم یک شکل است با آن مختلف خواهد شد و اگر اینطور باشد ما مجبور خواهیم شد باینکه بودجه وزارتخانه ها را خیلی مختلف وضع بکنیم یکجا رئیس وزارتخانه صد تومان یکجا هشتاد تومان وضع بکنیم پس اگر بآن شکل باشد تعیین مقام کرده باشد نباید تعیین پول کرده باشد و وزارت ماله که اطلاع از خرج و دخل دارد باید حاضر باشد و باید مسبق باشیم که بدانیم این حقوق از چه حدی است علاوه بر این در باره مدعی العموم که نوشته است ۱۳۰۰ قران بعقیده بنده باعتبار بودجه مملکتی زیاد است در فقره اول هم عرض می کنم یکصد و هشتاد تومان و ملاحظه کنید که باین ترتیب هیچ بودجه مرتب نخواهد شد .

رئیس - در ماده اول صحبت کنید .
حاج شیخ الرئیس - اگر چه در جلسه سابقه عقیده خودم را عرض کردم باز هم ناگزیرم

که همان مقصود را بیک تمبیر دیگر از قبیل ایراد معنی واحد بطرق مختلفه بیان کنیم عرض می‌کنم این نظریه که بعضی از نمایندگان محترم دارند در بودجه و ملاحظه جمع و خرج بک نظر اساسی است ولی باید خاطر محترم آقایان را معطوف باین وجه هم بکنم که علت الغائی و آن نظریه که مجلس را وادار کرده است براین که یک چنین دیوان محاسباتی ترتیب و تشکیل بدهند برای همین نکته است که منظور نظر بعضی از نمایندگان است بنده عرض می‌کنم اگر آن نتیجه آملت غائی که اول الفکر است و آخر العمل که منتظرند از این دیوان محاسبات عاید شود برای مملکت آنوقت آن نظری که این نماینده محترم دارد و آنوقت تصویب کرد و رای داد بکلی از نظرشان معوم می‌شود زیرا که نتیجه تأسیس این دیوان محاسبات برای همین است که آن جمع و خرج و هرج و مرج سابق برود و یک جمع و خرج لاحق بیاید و تمام محاسبات و مطالبات دیوان چه از دانتین دولت چه از مدیونین از جمع و خرج بیاید و دیگر یاره حقوق درآمده تعویق نماید و یاره بقایا در ولایات نداشته باشیم و بنده گمان می‌کنم که اگر رئیس را طوری - الا بنده دیگر آن پیشنهاد آقای افتخار الواعظین را نمی‌توانم تعقیب بکنم - اگرچه تصویب می‌کنم ولی همین تأسیسی که از طرف کمیسیون بمجلس پیشنهاد شده است خیلی صحیح است و گمان می‌کنم که همانطور که آقای مخبر بیان فرمودند که آن رئیس دیوان محاسباتی که بمای ۱۲۰ تومان ۵۰۰ تومان و یاره ۵۰ تومان داخل این عمل بشود اعتماد بار نخواهم کرد و آن نتیجه که مقصود و منظور مجلس مقدس شورای ملی است بدست نمی‌آید و این شهر را می‌خوانم .

بدزدی زحمت بدزد زحمت

چه برکت بود در میان دو سارق

معین الرعايا - عرض می‌کنم نمایندگان محترم همیشه باید در حقوق اعضاء ادلرات سعی و کوشش نمایند که حقوق کافی بآنها بدهند در بین اشخاصی که در ادارات مستخدمند گمان می‌کنم اشخاصی پیدا شود که امور معاشیه آنها مختل باشد و نتواند از عهده این خدمت و کار بطور صحت برآید و برای ریاست دیوان محاسبات شخص پسندیده از طرف مجلس معین خواهد شد و کار او هم کار مهمی است بنده موافقم با راپورت کمیسیون ۱۸۰۰ تومان را بنده زیاد نمی‌دانم و پیشنهاد کمیسیون را تصویب می‌کنم

حاج وکیل الرعايا - بعد از اینکه می‌فرمایید که این تصدیق بشود و یک چیز اضافه است که باید باو داد بنده عرض می‌کنم کسیکه بتواند تشخیص عایدات و مصارف مملکت را بدهد بکتر از ماهی ۱۸۰۰ تومان نمی‌تواند معاش بکند و این چیز زیادی نیست .

آقا میرزا ابراهیم قمی - می‌خواهم عرض کنم خرج را باید مقابل دخل کرد اینک اینجاست این

کم نیست بلکه بجای دیگر زیاد می‌دهند و بنده پیشنهاد می‌کنم که ماهی صد و پنجاه تومان بدهند .

آقای میرزا اسدالله خان - بنده آن روزیکه آقایان این مسئله موجب رئیس دیوان محاسبات را در کردند خیلی تعجب کردم دوست تومان پیشنهاد شد در صد و پنجاه تومان پیشنهاد شد رد شد صد و بیست تومان پیشنهاد شد رد شد حالا که صد و هشتاد تومان پیشنهاد شده است بعضی‌ها زیاد میدانند گویا عده شان بیشتر باشد ولی مجبورم این مسئله را اینجا بگویم که بعد از این در این گونه مسائل سخت نشوند غالب اشخاص در این مملکت برای اینکه با ارتفاع کار نمی‌رسند کار را می‌خواهند با ارتفاع بیارند یعنی کار را اندازه می‌گیرند وقتی که شما گفتید یک رئیس دیوان محاسباتی که رسیدگی بکنند بمحاسبات تمام وزارت خانه‌ها یعنی تمام مسئولیتها بلکه بالاتر از یک وزیر مسئولی است در مقابل تمام ملت که ملت بکنند را انتخاب میکنند که بمالیه او از دخل و خرج برسد و آنوقت می‌آیند در یک مملکتی که خودتان در آن زندگانی میکنید و از صبح تا شام فریب می‌گویند برای شما کار بکنند در صورتی که شما میدانید خارج مملکت شما چقدر است و تمام مسئولیتها را بعهده بگیرد و از برای شما دیوان محاسبات را اداره کند و از برای آن جای هیچ تاخت و نازی نگذارند که اگر یک دینار تخلف در حساب‌ها باشد مسئول تمام ملت هست و باید بدار زده شود این بیش بینی را بنده حالا از اینجا می‌کنم روزیکه ما می‌خواهیم انتخاب بکنیم رئیس دیوان محاسبات را درم نظر خواهیم داشت که یک کسی را که با صد و هشتاد تومان بتواند اداره کند بیاریم بالطبع کسیکه خدمت خودش را باین ارزانی فروخت آن شخص عالم و بصیر نیست بکندگاری که خوب باشد میگوید شش تومان میگیرم و می‌آیم خانه شما برای اینکه میدانید که این شخص شخصی است با علم و بصیرت و وقت خودش را باقیمت میداند و ساقی پنجه تومان میگیرد و آن کس که اطلاعات ندارد با کمال میل با پنجاه هزار پیاده هم حاضر است بیاید بسرمریض ولی آمریض آیا چطور از زیر دست او بیرون خواهد آمد دیگر آنرا او گذار می‌کنم بوجدان آقایان این نقطه نظر را از دست ندهیم که این شخصی را که می‌گوئیم بیاریم و اینکار را بدست او بدهیم و باو بگوئیم که شما مسئول تمام آحاد قرانها هستید و وقتی که یکی از آن قرانها بدقتیش شد شمارا بدار خواهیم زد شما را مسئول خواهیم دانست شما را در نزد این ملت بد معرفی خواهیم کرد باید بیک چنین شخصی لائل اینقدر داد که این بدبخت بتواند درست کار بکند بنده این صد و هشتاد تومان را که پیشنهاد شده است رئیس دیوان محاسبات بدهند هیچ کافی نمیدانم و برای اینکه دوست تومان آن روز رد شده است بنده پیشنهاد میکنم ۱۹۰۰ تومان باین بپاره رئیس دیوان محاسبات بدهند و تصویب بشود برای اینکه این رئیس که شما می‌خواهید زحمت او باندازه یک وزیر است اقل باندازه یک معاون بگردد بنده ثابت میکنم که یک رئیس دیوان محاسبات بقدرینج معاون وزیر کار دارد و کار تمام وزارت خانه‌ها را بعهده می‌گیرد در اینجا استدعا میکنم که اشخاص را با ارتفاع کار

نیارید کار را با ارتفاع اشخاص بیارید .

حاجی سید ابراهیم - بنده مخالفم و عرض میکنم این فرمایشی را که فرمودند صحیح و جهاتیکه فرمودند اگر ماداشته باشیم خیلی خوب است البته باید یا نصد تومان بدهیم که از همه جهات آسوده باشیم ولی اولاً پیشنهادی از وزارت مالیه نیامده که بمناسبت مالیات مملکت ببینم چقدر میتوان تصویب کند یا اقل نظر بودجه باین باشد که ببینند نمیتوانند بعد از آنکه بودجه آمدو تصویب شد ببینیم چقدر کسر خواهیم آورد و اینکه آقای آقامیرزا اسدالله خان فرمودند از حیثیتش صحیح است ولی از این حیث که نه نظر وزارت مالیه همراه اوست نه نظر کمیسیون بودجه باین واسطه بنده ابدأ تصویب کردن این را صحیح نمیدانم ولو کمتر و او بیشتر باشد بلی اگر مقام را ملاحظه بکنند و اینطور باشد قانوناً اینجا تصدیق میکنم که فقره اول رئیس محکم باشد در بنده تصدیق میکنم و اینجا رأی میدهم و لو ما بعد از آمدن بودجه یا نصد تومان تعیین بکنیم ولی حالا که نظر وزارت مالیه و نظر کمیسیون قوانین مالیه در اینجا نیست نمیتوانم رأی بدهم .

فهییم الملک - بنده از آقای حاج سید ابراهیم استدعا میکنم پیش از این آبروی دولت را نبرند می‌بگویند دولت فقیر است دولت بیچاره است این قانون از ابتدا تا انتها که ۱۴۵ ماده است خوانده شد و حضرت تعالی در تمام آنها اظهارات کردید و همچو تصور میکنم که هیچ ملاحظه تکلیفات او را فرمودید شرحی آقامیرزا اسدالله خان فرمودند که یک همچو آدمی باین تکالیف که باید از تمام وزارت خانه‌ها حساب پس بگیرد تکالیف زیاد دارد یعنی باندازه یک وزیر است فقط مسئولیت مجلس را ندارد و یعنی در همه جا نظر دارد اگر وزیر در یک اداره نظر داشته باشد این آدم باید در تمام ادارات نظر داشته باشد با ملاحظاتی بودجه و صرفه دولت دوست و هشتاد تومان موجب معین کرده ایم و الا این موجب او نخواهد بود تمام چیزها را نباید گفت که دولت ندارد معلوم است وقتی که دولت کارهای اساسی محکم شد و قوانینش مرتب شد یک استقراض بزرگی میکنند برای اینکه کار راه بیندازد پس او را نباید هیچ دلیل آورد دلیل آن وقتی را که از او خواهیم داشت باید آورد .

رئیس - در این فقره اول این ماده مذاکره بقدر کفایت شد و از طرف آقای کردستانی هم یک پیشنهادی شده است و باید رأی بگیریم ولی چون عده کافی نیست برای رأی این ماده و پیشنهاد را می‌گذاریم برای اینکه وقتی عده کافی شد رأی بگیریم حالا از برای رؤسا که محاکم از برای هر یک از آنها (۱۲۰ تومان) معین شده است در این فقره دوم خواهش میکنم مذاکره نفرمائید عده که کافی نشده است بجهت این است که یک عده در خارج کار داشته‌اند و فرستاده‌اند که می‌آئیم .

افتخار الواعظین - بنده دیگر عرض سابقم را مکرر نمی‌کنم فقط یک کلامه اینجا عرض میکنم و بعد کتباً پیشنهاد خواهم کرد اگر دولت بیاید تمام مصارف و مخارجات خودش را ملاحظه کند باید کارهای خودش را ملاحظه کند و بعد از مرتب شدن کارهای دولت آن وقت اداره دولت مرتب خواهد شد علت اینکه امروز دولت عایدات ندارد اینست که

دولت ادارات نداشته است علت اینکه عایدات مرتب نداشته است این است که یکی از ادارات قانونی دیوان محاسبات را که نظارت در مالیه دولت بکند نداشته است اگر دولت دیوان محاسبات صحیحی داشت که عایدات در تحت تفتیش بیرون می‌آمد بنده فائلم که این عایدات دولت هم زیاد خواهد شد و دول متمدنه هم هیچوقت ملاحظه حقوق را نمیکنند ملاحظه کار را میکنند استعراض میکنند که کار صحیح باشد اینجا هم من پیشنهاد می‌کنم که از برای رؤساء محاکم و مدعی العموم اقلش یک صد و چهل تومان تصویب شود .

رئیس - اینجا یک تفاوتی هست میانه یک دولت و یک خانواده در مسئله بودجه همیشه این یک هیئت خانواده باید ببیند که عایداتش چه چیز است تا اینکه شما دخل را تطبیق بکنید با عایدات این در بودجه خانواده است لکن در بودجه دولتی همیشه باید ببینید مخارجش چیست و بعد عایدات را مقابل بکنید با مخارج این نظر را باید همیشه در بودجه دولتی داشته باشید .

آقا شیخ ابراهیم - اینجا مدعی العموم را با رؤسای محاکم مساوی کردن هیچ صحیح نیست همیشه مدعی العموم با رئیس اول مساوی است مدعی العموم باید با رئیس اول مساوی باشد هر چه باشد استیفاء و تمیز در تمام اینها همین طور است اینهم باید اینطور باشد .

حاج آقا - بنده چون در آن ماده موافق بودم با آقایان عرض کردم و در این ماده هم باز می‌خواهم همین قدر عرض بکنم که آقایان اعضاء کمیسیون بودجه هم تصور نکنند که بمجرد اینکه این مطلب از این مجلس گذشت دیگر میزانت تعادل بودجه مملکت از دست می‌رود و دیگر بودجه هیچ نمی‌تواند تعادل پیدا کند مگر اینکه در کمیسیون بودجه رفته باشد و حال آنکه بودجه و چیزهایی که در کمیسیون بودجه است در ادارات هیچ وقت نظریاتی ندارد که دیوان محاسبات یا رؤسای اعضای دیوان محاسبات چقدر دارند برای این که منتظرند اختصاص پیدا کند تصور میکنم که تمام اعضای مجلس یک نظر بودجه‌ای دارند و تمام ملت بودجه هستند و اشخاصی که در وزارت خانه‌ها دارند امروز باین طور موجب می‌گیرند و می‌برند آنطوریکه آقای افتخار الواعظین فرمودند می‌خواستم عرض بکنم ابدأ اینها تصویب مجلس نیست و مانده ایم و نمی‌دهیم و در مقام بودجه بنده نظرات خود را خواهم گفت و در مقام معاون هم خصوصاً مثل این معاونینی که امروز ما داریم که صد تومان ابدأ برای او بیشتر تصویب نخواهیم کرد هم چنین سایر اجزائی که در ادارات هستند و بعضی که نظرات بودجه‌ای دارند یک رئیس دیوان محاسباتی که ما می‌خواهیم شاید در این مملکت از آن نقطه نظری که ما داریم یکی دو نفر باشد اگر این موجب برایش کافی نباشد هرگز قبول نخواهد کرد یک کار دیگری می‌کند که مدخلش هم باندازه زندگانش باشد باید این ملاحظاتی را بکنند و بعد فرمایشات خودشان را بنمایند معاون ما خیلی داریم عرض کردم خصوصاً معاونین امروز لکن دیوان محاسبات

که این کارها را ما از آنها می‌خواهیم شاید منحصراً بدو سه نفر چهار نفر پنج نفر بیشتر نباشد .

حاجی شیخ رئیس - بنده بهمان نظر بودجه‌ای که ملاحظه جمع و خرج است عرض می‌کنم در ضمن یک مثلی حالا اگر یک معدن طلائی خیلی سهل الغروج کسی درجائی سراغ داشته باشد و دولت پیشنهاد کند که دوهزار تومان ده هزار تومان بمن بدهد که آن معدن طلا را بیرون بیاورد و تسلیم کنم در حالی که بدانیم که در حد توانائی ما نیست و از فکر ناقص نیست محقق الوقوع است آنوقت این ده هزار تومان را استعراض کنند اسمانه کنند و این را بدهند و این تصور را بکنند که این ده هزار تومان را با بحالات حالیه وقت مالیه چطور ما تصویب بکنیم زیرا که این ده هزار تومان رفت صد هزار تومان می‌آورد با کمال افتخار و امیدواری عرض می‌کنم که این دیوان محاسبات بطوریکه باید اگر تشکیل شود مانمی‌توانیم بگوئیم که این مبلغ زیاد است بلکه صد کرور هم باید انشاء الله عایدات مملکت ما بیشتر باشد و بنظر بودجه بنده تصویب می‌کنم که باید همین مقررات را در حق اشخاص بطوریکه تصویب کرده است تصویب کرد .

انتظام الحکماء - بنده عرض می‌کنم تا حقوق رئیس رامین نکنیم ما نمی‌توانیم حقوق برای مرنوس مین کنیم زیرا او باید بتناسب رئیس باشد تا او معین نشود نمی‌توانیم رأی بدهیم **رئیس** - در این ماده هم مذاکره کافی است ولی بازم نمی‌توانیم رأی بگیریم آقای افتخار الواعظین هم یک پیشنهادی کرده‌اند در فقره مستشار و دفتر دار کل خوب است اگر مذاکره لازم است بفرمائید .

حاج سید ابراهیم - بنده اگر تنها در عقیده خود باشم باید بگویم که حق خود را اداه کنم بنده عرض می‌کنم اگر ما هزار تومان عایدی داشته باشیم باید از هزار تومان نهد و نود ونه تومانش را خرج امنیت و آسایش مملکت بکنیم نباید بگوئیم که طرز معیشت چطور میشود پس باید تهیه کنیم ما نیامده ایم که ملاحظه تجملات و تمینات اشخاص را بکنیم که امتیاز نوع بشر از یکدیگر امتیاز فضلی است نه تجملی نه این است که باید ملاحظه کرد که بنده اگر ملاحظه تجملت را بکنم باید ماهی هزار تومان فراهم بیاورم و در آن وقتا که ملاحظه من را بکنند بگویند که ماهی نصد تومان کم است ما اگر ملاحظه داریم باید ملاحظه این فراشها و پیشخدمت ها که ماهی ۴ تومان دارند بکنیم و از رؤسا و از این جا ماهی دو صد تومان سبب تومان چهار صد تومان ها کم بکنیم و حقوق این فراشها که بامای ده تومان ۹ تومان تصویب می‌کنیم آنها هم زن دارند بچه دارند خرج دارند باید از اینها کسر کرد و بر آن ها افزود و اگر ملاحظه داریم نسبت بآن موارد باشد و حال آنکه بنده می‌بینم که برای آنها هم موردی باقی نمانده است اگر نظر با طرف بپنداریم باید تمام مالیه دولت را صرف نظام و تهیه اردو

و سایر ترتیبات بکنیم که هنوز ما یک اداره صحیحی نداریم می‌فرمائید ۲۶ کرور بودجه بنده عرض می‌کنم بیست و شش کرور درجیب شما نخواهد آمد که بدانید بیست و شش کرور وصول می‌کند این ۲۶ کرور دوازده کرورش از مالیات غیر مستقیم است بطور قطع عرض می‌کنم تا حالا چند کرورش وصول نشده است و باید پول از اینجا بفرستند که وصول شود شاید می‌توان گفت از دوازده کرور مالیات غیر مستقیم پنج کرورش وصول نشده است و همچنین نسبت بمصارفات دیگر و اقسام مالیات دیگر در این جا تکرار می‌کنم که مقام مرنوبه را باید همین کرد نباید گفت که ماهی دو صد سبب چهار صد تومان مقدار یواش را هر چه باشد باید معین کرد اگر چه آقای رئیس هم فرمودند که اول باید خرج رامین بکنیم بنده عرض می‌کنم خیر این طور نیست وقتی که ما مملکت را درست و از شر دزدان آسوده کردیم آن وقت می‌توانیم اینطور کارها را بکنیم ولی امروز بنده عرض میکنم که سی کرور اگر برای انتظام و امنیت سرحدات بخواهند خرج بکنند کم است و صد تومان برای رؤساء محاکم و مدعی العموم زیاد است چه فرق میکند رئیس محکمه با سر افراد بشر در معیشت جز اینکه تجملات مصنوعی بخودش بسته هیچ فرق ندارد و او هم مثل سایرین زن دارد بچه دارد این ترتیب را بنده عرض میکنم هیچوقت بجائی نخواهد رسید و هیچ بودجه‌ای کفایت نخواهد کرد هیچ موافق عدالت و مساوات نیست .

فهییم الملک - یک جمله فرمایش آقای حاجی سید ابراهیم را می‌خواهم توضیح بکنم که از این فراری که آقای حاجی سید ابراهیم می‌فرمایند که اگر دولت هزار تومان عایدی داشته باشد باید ۹۹۹ تومان آن را خرج امنیت کند یک کسی هم می‌خواهد که حساب آنرا نگاه دارد و بداند چطور خرج میشود و ننگد از این کم و زیاد شود اینطوری که شما می‌فرمائید تمامش را باید از همان جایی که گرفته میشود در همانجا خرج بشود این سی کروری را که می‌فرمائید محاسبینی لازم دارد باید رسیدگی کنند و ملتقت شوند و بدانند که این پول بصرف خودش رسیده است یا نرسیده است اگر این پول لازم است که باین مصارف برسد محاسبینی هم لازم و تفتیش هم لازم است اینها خرج لازم دارد و اینکه فرمودید که باید مقامشان معین شود از برای اینها نمیشود مقام معین کرد در جلسه سابق هم مذاکره شد که چون اینها یک مدت محدود در سر کار هستند نمی‌توان برایشان مقام معین کرد و اینها را هیچ نمی‌توان تطبیق کرد با اشخاصی که دائمی در ادارات هستند اینها ارتقاء درجه و اضافه حقوق پیدا خواهند کرد و یک موجب ثابت معینی دارند این هم که در ماده قانونی نوشته میشود به همین ملاحظه است که چه شان بطرف وزارت مالیه یا ادارات دیگر نباشد که بگویند یک تفاوت حقوقی بآنها بدهند مسلم است که دیگر هیچ تفاوت حقوقی در این مدت خدمت برای آنها حاصل نخواهد شد اینست که نمیشود مقام برای آنها معین کرد .

آقای محمد میر و جردی - بنده قطع نظر از ۲۶ کرور یاسی کرور یا بنجاه کرور چنانچه اظهار امیدواری فرمودند و قطع نظر از آن اظهاراتی که شد که آن اجزاء چه خواهند شد اینها را بنده نظر ندارم عرض می کنم یک مشت خبلی بزرگ و یک اداره خطیری است و این شغل بسیار خطیر این کسیکه متصدی این امر می شود چه مستشار چه معاون چه رئیس کل هر کدام و تماماً اگر عالم و درست کار باشند این مبلغ بلکه ده برابر این مبلغ هم که باشد بنده عرض می کنم که کم است و اگر العیاذ بالله مسئله خطا کاری و خیانت باشد اورا نباید داخل کار کرد و این مذاکرات را هم بنده نمی دانم چه فایده دارد طول دادنش بر تریبی ندارد و نمی دانم آخرش چه می شود انشاء الله خوب می شود .

رئیس - در این باب هم مذاکره کافی است این هم میماند تا همه کافی شود عهده از انعام جلسه امروزی این است که دستخطی از والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه رسیده می خواستم آن خوانده شود ولی عهده برای مذاکره و رای کافی نیست و بعضی از نمایندگان در خارج تشریف دارند فرستادم که تشریف بیاورند تشریف خواهند آورد و مذاکره میشود پس ده دقیقه تنفس می دهیم که نمایندگان محترم تشریف بیاورند و آن دستخط والا حضرت آقای نایب السلطنه خوانده شود (مجدداً جلسه تشکیل شد) .

رئیس - خاطر نمایندگن محترم مسبوق است که در جلسه شنبه گذشته بعد از آن نطق هائی که از طرف نمایندگان محترم شد در ختم آنها بنده بعضی عرایضی کردم که حالا محتاج نمی دانم که آنها را تکرار کنم و در ختم عرایض خود خواهش کردم که در باب احزاب یعنی اکثریت و اقلیت مجلس و پروگرام آنها و یکی هم بر حسب استخرامی که از طرف والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه شده بود در باب کاندیدا از برای آن شخص که برای ریاست وزرا و تشکیل کابینه لازم است حزب اکثر نظریات خودش را ببنده بگوید این خواهش را چرا کردم بواسطه اینکه از بنده رسماً سؤال میکنند چنانچه در این چند روزه هم در این ایام اخیر از طرف والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه علاوه بر فرمایشات حضوری شان که همه و کلا فرمودند سفارش فرمودند و بنده هم بعد از آن دوسه مرتبه شفاهاً فرمودند چندین دستخط از ایشان آمده است که از بنده سؤال میکنند یعنی می پرسند که در مجلس اکثریت با کدام حزب است و اقلیت با کدام فرقه است و پروگرام آنها چه چیز است و کاندیدا ی آن حزب اکثر کدام است اینها را از بنده سؤال میکنند و معلوم است که تا بنده اطلاع صحیحی در آن باب هم نرسانم نمی توانم جواب این سؤال والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه را بدهم از آقایان خواهش کردم که حزب خودشان را یعنی حزب اکثر و کاندیدا ی خودشان را ببنده بفرمایند که بنده بتوانم بموجب آن بحضور مبارک والا حضرت اقدس عرض بکنم حالا می خواهم بدانم در این باب اندامی شده است و آیا میتواند که عهده پروگرام و کاندیدا ی خودشان را ببنده رسماً

اظهار کنند بر طبق آن بنده بحضور والا حضرت جواب عرض کنم یاخیر .

آقای میر زامر ترضی قلیخان - بنده اولاً خیلی افتخار می کنم که حزب اکثر بنده را اینجا با بلاغ و اظهار این مطلب انتخاب کرده اند و بنامند کسی جز بی که اکثریت مجلس را دارا است متعز شدم و در این مقام حاضر شده ام که جواب بعضی مطالب را که آقای رئیس فرمودند عرض بکنم از ابتدای انعام مجلس تاکنون خیلی واضح و معلوم است جز بی که اینجا تا تأسیس شد اول فرقه بوده با اسم اعتدال اگر چه نسبت بطرف مقابل اکثریت داشتند لکن هیچوقت اکثریت تامه را دارا نبودند که بتوانند در مجلس مقدس همیشه دارای اکثریت تامه باشند و حکومت ملی را که راجع است به مجلس حائز شوند در طرف مقابل هم چیزی که حاکی با اسم دموکرات نامیده میشود بنده تقدیس میکنم کلیه مسالک را و لازم میدانم که این جمله معتزله را عرض بکنم هر مسلکی که مقصد او صحیح میشود نهایت اینکه نظرات فرقی میکنند این حزب دموکرات خودشان را مکرر معرفی کردند با اقلیت از آن جمله در حضور والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و در همین مجلس مقدس آقایان اظهار فرمودند که ما بیست و یک نفر هستیم و تقاضا کردند که حزب اکثر هم همینطور عهده و اسامی و اشخاص خودشان را معرفی کنند و فرمودند که ما حالا اسم خودمان را معرفی نمیکنیم و در مقام خودمان نمی نشینیم و اکثریت بدو حاضر بشود برای اینکار و چون آن خیال خیلی خیال مقدس و صحیحی بود قرار شد امشب اکثریت نام خودش را اعلام کنند بعد از اینکه این فرقه که بنام اعتدال آنها را نامیده بودند دیدند که اکثریت تامه را دارا نیست و با آن فرمایشات والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و آن تأکیداتی که تمام از روی اساس صحیح و اصول مشروطیت بود و بطور حتم اکثریت مجلس را خواستند که تکلیف خودشان را در باب کابینه و امور مملکت معین بفرمایند و در این مجلس هم مکرر مذاکره و گفتگو شد باین جهت آن فرقه اعتدال با آن فرقه که قریب المسلك و قریب المشرب بودند و اصول پروگرام آنها چندان میبایستی نداشت بنام حزب اکثر اتفاق کردند در مواد عملیه مخصوص که اینجا تقدیم میشود بمقام ریاست چون معلوم است که هر مسلکی دارای پروگرام اساسی و پروگرام عملیه خواهد بود و پروگرام اساسی هر فرقه طبع و نشر شده است و معلوم است که بنظر تمام اشخاص رسیده است که بهر یک از نمایندگان داده بشود یا اینکه بمقام ریاست تقدیم میشود اما در مواد عملیه نظرات مختلف خواهد بود و چون هیئت متعده و حزب اکثریت که از طرف آنها بعضی آقایان میرسانم دیدند که هر اتفاقی لازم است که بروی اساس باشد هم لازم است که بروی عملیات باشد لابد باید عملیات باشد نه مرمانه آمالی بجهت این که خیلی واضح است که اساس مطلب و پروگرام اساسیه غالب آن ها مرامی است

که متدرجاً در سنوات جدیده باید آنها شروع شود ولی عملیات موادی است که از امروز بیمه باید شروع بشود تا با واسطه موادی را که ممکن است این کابینه که امروز تأسیس میشود و امینان این اکثریت را دارا خواهد بود در این هشت نه ماه بتوانند تمام آنها را بوقوع اجرا بیاورند و اگر فرضاً دوتای از آنها با تمام بوقوع اجرا نیامده ممکن است که شروع کامل بشود در آنها مثل این باشد که باختتام رسیده است و چون همیشه اختلافی که میان این مجلس و کابینه هست در مرمانه ها است هر مرامی را که یک صاحب مسلکی دارد متوقع است که آن کابینه حاضر عمل کند وقتی که دیدن در یکی از آنها مخالفت کرد فوراً استیضاح خواسته و در حدود تخریب آن کابینه و اساسش بر می آید پس هیئت متعده حزب اکثر اینطور صلاح دید موادی را که اینجا نوشته اند کابینه که محل اعتماد است تشکیل داده شود که آن کابینه از روی کمال قوت قلب مشغول انجام آن مواد بشود و بتواند که اورا در موقع عملیات ظاهر بکنند و هم مجلس در اعتماد خودش متزلزل نشود و هم آن کابینه با کمال قوت قلب مشغول اقدامات بشود و این موادیکه اینجا نوشته شده و فردا بطبع هم خواهد رسید و منتشر هم خواهد شد و بنظر تمام آقایان نمایندگان محترم هم خواهد رسید بلکه در خارج هم منتشر خواهد شد بعد از آنکه بدست آقایان نمایندگان رسید هر یک که اختلافاتی بنظرشان رسیده یا اینکه مطابق سلیقه شان شده است قبول خواهند فرمود پس بنده عجاله اکتفا می کنم تذکر اشخاص که تا امروز داخل این حزب اکثریت و نظامات مسلکی این حزب اکثر شده اند که خودشان را حاضر کرده اند در اینکه بهمان نظامات رفتار بکنند اگر چه جمعی از آقایان محترم هستند اتفاق دارند ولی چون موقع نشده داخل در نظامات بشوند باین جهت با کمال تأسف از ذکر اسامی آنها سکوت میکنم و اسامی آن اشخاص را که حاضر شده اند که داخل در نظامات بشوند مریخونم و از تقدم و تأخیر ذکر اسامی معذرت می خواهم .

- اسامی از فرا ذیل است :
- آقایان شیخ حسین یزدی - انتظام الحکماء - حاجی شایخ الرئیس - حاجی شیخ اسدالله - شیخ علی شیرازی - حاجی عزالمالك - عبدالعزیز روجردی - حاج شیخ علی خراسانی - شیبانی - ادیب التجار - حاج سید ابراهیم - سید محمد باقر ادیب - لواوالدوله - میرزا رضا خان مستوفی - حاج محمد کریم خان قشقانی - حاج میرزا رضا خان - آقا میرزا ابراهیم خان - مستشارالدوله - دکتر امیرخان میرزا محمد صادق طباطبائی - حاج دکتر رضاخان حاج آقا - ماضدالملک - دکتر حیدر میرزا - رکن الملک - دکتر اسمعیل خان - میرزا مرتضی قلی خان - فهیم الملک - ممتازالدوله - متین السلطنه - میرزا اسدالله خان کردستانی - میرزا الملک معین الرعایا ناصر الاسلام - کاشف - آقامیرزا علی اکبر خان دهخدا ادبیه محمدخان - آقامیرزا ابراهیم قمی - حاج مصدق العمالك - سید ابراهیم - سردار احمد - میرزا مرتضی

قلیخان بختیاری - این اسامی بود که عرض کردم تا تاریخ امروز داخل شده اند در این هیئت و معلوم است که این هیئتی که دارای اکثریت هستند کاندیدا ی خودشان را همانطوریکه مطابق قوانین مشروطیت است بمقام محترم ریاست مجلس اظهار خواهند کرد و ایشان هم بمقام مقدس نیابت سلطنت اگر چه مقام محترم ایشان چندان لزوم نداشت که این تقاضا را از مجلس بکنند و خواهش بکنند که از طرف مجلس این اظهار بشود و مهم مقدس ایشان محتاج نبود که از طرف مجلس اظهار بشود و خودشان از روی کمال بصیرتی که دارند کابینه را تعیین میکردند حق داشتند ولی چون ایشان منتها درجه احتیاط را می کنند که مبادا امر او مشروطیت فی الجمله تصوری بشود با بواسطه این تقاضا را کردند که اکثریت مجلس را بدانند که مقابل تکست باین جهت آبهائی که بطور اکثریت تشکیل شد کاندیدا ی خودشان را اظهار کرد و این مسئله راهم لازم است مکرر بکنیم (این اکثریت که این جا تشکیل شده است عهده شان خیلی زیاد تر از اینها است شاید در همین مجلس هم حاضر باشد و اگر حاجت هم شد شاید بعضی اظهار بفرمایند ولی چون این اندازه کافی بود آنها را عرض نکردم ولی بعد از آن که این مواد عملیه بطبع رسید منتشر شد عقاید خودشان را اظهار خواهند کرد و خیلی با کمال امیدواری استعدا میکنم از آن حزب اقلیت که این جا اظهار کردند و خودشان را با اقلیت معرفی کردند و اظهار فرمودند که ما بیست و یک نفر هستیم بعد از اینکه بنده از اینجا مرخص شدم آن سرده در همین موضوع تشریف بیاورند و سر دستگی خودشان را معرفی بکنند که هم اسامی آنها معین باشد و هم اسامی مامم که معین شده تمام ملت و مملکت معلوم شود که حزب اکثریت کیها هستند و حزب اقلیت کیها هستند و همانطوریکه این تقاضا از طرف خود آنها بود که این اقدام از طرف حزب اکثریت شود بنده هم همانطور تقاضا میکنم که آنها اجابت بفرمایند که هم نشین هر کس معین شود و هم اسامی هر کس که اسباب زحمت نباشد و لازم است که این یک کلمه را در خاتمه عرض بکنم که همانطور که گفته شد کاندیدا ی خودمان را معرفی و معلوم کردیم معلوم است که این حزب با آن کابینه که حاضر باشند در اجرای این مواد عملیه و این عملیه را شروع به اقدام بکنند و جداً در مقام اجرای این مواد باشند تا آخر درجه نفس و با کمال اعتماد و وثوق در مقام مساعدت با آن کابینه خواهند بود و ابداً در صدد تخریب آن کابینه نخواهند بود (تصدیق کردند) .

رئیس - بنده خیلی اظهار امتنان میکنم از این حزبی که سه مطلب مخفی را بنده معلوم کردند یکی اینکه آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان در ضمن نطق خودشان خودشان را معرفی کردند به این که نماینده این حزب اکثر هستند و دوم اینکه عهده حزب خودشان را بیان کردند که ۴۹ نفر هستند این هم پروگرام ایشان هست که بنده داده اند و در باب کاندیدا هم عهده کردند که نظریات حزب اکثر را ببنده بفرمایند تا اینکه در جواب سؤالی که از طرف

مقام نیابت سلطنت شده است جواب عرض بکنم حالا می خواهم که از آن حزب اقل هم خواهش کنم که نماینده حزب خودشان و اسامی عهده خودشان را بنده بفرمایند پروگرام خودشان را که روز شنبه داده اند لکن دو چیز مانده است یکی اینکه سرده و نماینده خودشان را معرفی بکنند یکی هم اسامی خودشان را بفرمایند تا بنده بدانم .

سلیمان میرزا - بنده چون از طرف حزب اقل هستم اول تقاضا میکنم که آن مواد را بخواهند تا اینکه اظهاراتیکه میشود از روی اطلاع بشود اگر چه فرمودند فردا طبع خواهند کرد و منتشر خواهد شد لکن خیلی تفاوت دارد دانستن آن مواد را در عرایض بنده یعنی خیلی تفاوت دارد اطلاع بنده در عرایضی که بنده می خواهم عرض کنم و عدم اطلاع بنده و عرایض کردن خوب است اجازه داده شود که منشی بخواهد محرمانه هم که نیست اجازه بدید که بخواهند تا اینکه بنده هم عرایض خود را عرض بکنم .

آقای میرزا مرتضی قلیخان - بنده عرض میکنم این مطلب هیچ سابقه ندارد بجهت اینکه وقتی که حزب اقل پروگرام خودشان را بمقام ریاست تقدیم کردند هیچکس تقاضای خواندن نکرد و بنده عرض میکنم که ما نباید برخلاف سابقه رفتار بکنیم شما از ما تقاضا کردید که ما خودمان را معرفی بکنیم معرفی کردیم با اسامی هم در حالیکه این حق را کسی نداشت است که بگوید ما خودمان را معرفی بکنیم و معرفی کردیم و این پروگرام مسلکی نیست پروگرام مسلکی آن است که عرض کردم چاپ شده است و دیده اید این مواد عملیه است و هر فرقه خودش یک پروگرام اساسی دارد و این پروگرام عملی است که ما از روی این مواد تقاضا داریم که این کابینه که تشکیل می شود رفتار بشود و ناز روز شنبه هم تمام نمایندگان محترم داده می شود و در تمام شهر داده خواهد شد و این تقاضا خارج از مطلب است .

رئیس - بنده می خواستم عرض بکنم که این موادی را که بنده داده اند این را بنده محرمانه نگاه نخواهم داشت علنی خواهم کرد که حزب اقل مسبوق باشند و هم اینکه مردم بدانند که حزب اکثر کیها هستند و هم این که آن عهده که خودش را حزب اکثر معرفی می کند آنها مقصود و پروگرامشان چیست این را بنده علنی خواهم کرد حالا باز خواهش خود را تجدید می کنم بطوری که سابق هم عرض کردم که همانطوریکه این حزب اکثر نماینده خودشان را وعده و اسم و کاندیدا ی خودشان را معین کردند باز خواهش می کنم از حزب اقل که آنها هم عهده و اسامی خودشان را معین کنند تا بنده از این مطالب مستحضر شوم و این را هم چاپ خواهند کرد .

سلیمان میرزا - بنده اولاً از طرف حزب اقل همانطور که در دربار والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه تبریک بجزب اکثر عرض کردم باز هم در این جا تبریک بهوم اهل مملکت عرض می کنم که امروز معلوم شد و مسئول این مملکت کیانند و موفقیت حزب اکثر را هم همیشه از خداوند خواهند که در اصلاح مملکت آنچه را

که در نظر دارند بوقوع اجرا بیاورند و در جواب بنده که عرض کردم آن مواد خوانده شود اظهار شد که این تقاضا و ترتیب پروگرام عملی است و ترتیب دوره است که این هیئت وزرا باید این کار را بکنند و اینکه تقاضا کردم که آن مواد بخوانند زیرا که باید همانطور که آنروز عرض کردم وظیفه حزب اقل اظهار کردن مطالب است و وظیفه حزب اکثر حکومت ملت است آن پروگرام که آنروز از طرف حزب اقل اظهار شد و آنچه که امروز از طرف حزب اکثر اظهار شد پروگرام عملی است اینک تقاضا کردم که خوانده شود باینکه هم بی ربط بودم که این محرمانه نخواهد ماند می خواستم بخواهند تا بدانم چه موادی هست تا شاید از طرف حزب اقل اظهار کنم همه موافقت دارند چون این مرمانه عملی است شاید فردای این روز که این دست همه رسید همه بگویند که این حق دارند امروزه وقتی که یک پروگرام عملی نوشته شد معقلاً میتوان گفت که اول مادداسی این خواهد بود که استمرار نیست که در این اول و آخری منظور نباشد این یک چیزی است تمام افراد ملت و مملکت در آن متفق هستند که امنیت باید استمرار داشته باشد از این چیزهای مشرک هم هست حزب اقل و لکن وقتی تشکیل میشود که مرمانه سیاسی آرزو و اعمال آنها معلوم باشد بار هم تکرار میکنم در اینجا آنچه که اظهار شد از طرف حزب اقل مرمانه سیاسی بوده و آن چه که از طرف حزب اکثر اظهار شد مرمانه عملی است و اشخاصیکه اینجا اسم برده شد نمیتوان گفت حزب زیرا که همه می دانند که حزب سیاسی باید دارای یک پروگرام آرزویی و آمالی باشد و از فراری که بنده از خارج شنیدم و در هیئت محترم رئیس هم گله این را کردم از آقای رئیس که خوب بود این مرمانه عملی قبل از قرائت در مجلس طبع و توزیع می شد شاید اتفاق حاصل می شد و امروز هم عرض میکنم در عملیات چون سابقه معلوم است چه خواهد بود شاید اگر طبع و توزیع می شد اتفاق می شد اما در خصوص چند چیزی که از طرف حضرت رئیس تقاضا شد از حزب اقل بنده مجبوراً باید از طرف حزب اقل آنها را جواب بگویم در مسئله پروگرام که فرمودند تقدیم شد و در موضوع لیدر - یا ناطق پایک سرده چنانچه آقای میرزا مرتضی قلی خان این سمت را دارا هستند از طرف حزب اکثر بنده هنوز دارا نیستم و باید از برای روز پنجشنبه بنده یا هر کس که لیدر و این سمت را دارا شد با اکثریت شبه پارلمانی دموکرات آن شخص باید معین شود اگر بنده معین شدم که با کمال افتخار خودم را موفق خواهم کرد و اگر دیگری شد وظیفه او خواهد بود که اسامی این اشخاص را در اینجا بگوید عجاله که لیدری معین نشده است که اسامی زیرا که ماقبل بطور قطع نمی دانستیم که امروز معین شده است که روز معرفی باشد فقط یک مذاکره هم که بنده صبح با آقای رئیس کردم بطور کلی بود و روز معین شده بود که امروز این طور خواهد شد بنده مطمئن نبودم که حزب اکثر امروز لیدر خودش را معین خواهد کرد تا بنده هم بجزب اقل اطلاع بدهم

که يك پدیری از برای خودش مین کند این مطلب خواهد ماند از برای جلسه فردا که لیدر آنها مین بشود و اسامی آنها هم روی تریبون خوانده شود در پایان عرض خود هم عرض میکنم که چرن بنده همیشه از طرف حزب اقل عراضی عرض می کردم چه در اینجا چه در حضور والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه بنا بر این ایندفعه را با وجود اینکه اجازه کلی ندارم از طرف خودم این عرض را می کنم و گمان میکنم که حزب اقل هم تصدیق خواهند کرد و آن اینست که هنوز نمی توان گفت مطابق میزان های سیاسی این اشخاص که اسم برده شد حزب هستند (در این موقع بعضی اظهار مخالفت کردند)

سلیمان میرزا - الحمد لله حزب اکثر چهل ونه نفر است می توانند چهل ونه مرتبه بنده را رد بکنند بنده هم ۴۹ مرتبه گوش خواهم کرد هنوز نمی توان این ۴۹ نفر را حزب نامید بلوک میگویم این اسم صحیحی است اما حزب کویا مناسب نداشته باشد این ائتلاف و بلوک است هنوز آن معناها و آن اشکالاتی که در این مجلس کردم از برای بنده و از برای اکثر هم مسلک بنده حل شده است یعنی نمی دانند که این بلوک این ائتلاف از چند حزب تشکیل شده است و آن حزب هنوز به وظیفه خودشان رفتار نکرده اند یعنی مثل حزب دموکرات پروگرام سیاسی خودشان را اینجا نگذاشته اند و معین نکرده اند کدر حزب خودشان چند نفر هست و الا در پروگرام عملی در چیزی که بعمل اجرا بیاید غالباً چیزی است که عموماً در آن متفق هستند مغالیه ندارد عدلیه مجری منظم اصلاح وزارت خانه معارف نظام يك چیزی است که اتفاقی است کیست که بگوید در این مملکت اینها لازم نیست همه در این چیزها متفق خواهند بود این را نمیتوان گفت که حالا آقایان ۴۹ دفعه بنده مراد بکنند و لکن مطابق تمام کتاب ها بنده عرض میکنم که این ائتلاف را حزب نمیتوان گفت و بلوک باید گفت و قانوناً هم چنانکه ما رفتار کرده ایم استماع میکنم که هر حزبی خودشان را معرفی بکنند و پروگرام خودشان را مین بکنند تا معین بشود که این بلوک از چند حزب تشکیل یافته و آن مطلب اخیراً هم که عرض میکنم توضیح واضحات است لکن چون يك سوء تفاهمی برای یکی از آقایان نمایندگان پیدا شد یعنی در جلسه گذشته گویا آقای حاجی آقا بودند و فرصت نشد که جواب عرض کنم جلسه ختم شد فرمودند حزب اکثریت هیئت وزرای خود را مین میکنند و مشغول کار میشوند بنده هیچ فهمیدم که فرمودند مشروط بر اینکه حزب اقلیت اشکال تراشی نکنند و يك عبارت دیگر فرمودند که اقلیت هم مشغول است فرمودند اقلیت چگونه ممکن است مشغول نباشد اولاً این را عرض میکنم کدر هیچ جای دنیا هیچوقت ممکن نیست اقلیت مشغول باشد این حرف هم گویا در تمام دنیا مسموع باشد کسیکه میگوید هیچ کاری از من پیشرفت ندارد عده من کتر حرف طرف مقابل که برخلاف من است مجری و متبع باشد و اگر بد شده باشد مشغول باشد وقتی که هیچ کاری که او گفته نکنند چگونه میشود گفت مشغول است پس باز بعد از بلند عرض میکنم که حزب اقل ابدأ

مسئول نیست و حزب اکثر که امروز الحمد لله بسیار کمی و بیمنت معلوم شد مشغول است ثانیاً اینکه حزب اقل وظیفه خودش را میداند چنانکه حزب اکثریت هم میداند حزب اقل همیشه تنقید خودش را در موقع گذشتن قانون میکند ولی وقتی که قانون گذشت مجبوراً اطاعت است زیرا که اگر اطاعت نکرد باقی و طاقی است اما تا آن قانون مدارج قانونی خودش را طی نکرده و از مجلس شورای ملی و مجلس سنان گذشته و با مضای اعلی حضرت یا والا حضرت آقای نایب السلطنه نرسیده و موشخ شده بآن امضاء حق دارند تنقید کنند تا در موقع تنقید اما وقتی که آن تنقید نشد و اعلام شد آن قانون بعمل عمل آمد هر کس مخالف او عمل کند او را میگویند یاغی و نمیگویند حزب و او یاغی است و این حزب همیشه تنقید کننده است و تنقید خواهد کرد و همیشه يك قانونی که گذشت ولو اینکه برخلاف عقیده او باشد اطاعت خواهد کرد مطلقاً مثل خیلی از قوانینی که چه سابق گذشته است و چه حالا و گذشتن اکثریت را مقدس و مطاع و متبع میدانند

رئیس - عرض میکنم امروز صبحی چنانچه روز شنبه عرض کردم والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دستخط فرمودند و از بنده مطالبه جواب کرده اند هم در مجلس آنروز عرض کردم که امروز و فردا که میگردد و پس فردا مطالبه جواب کرده اند و در مجلس اظهار خواهم کرد و هم اینکه امروز صبح بهر دو حزب اطلاع داد که از من مطالبه جواب کردند و در مجلس اظهار خواهم کرد و بخود آقای سلیمان میرزا هم این مسئله را عرض کردم حالاً مین داخل میشوم در پارلمان کراتی که گمان این است که از آن مقصود آنشبی ما خارج است بعلم اینکه ما در اینجا گفتیم که طرفین عده خودشان و سر دسته یا ناطق و باصطلاحی که فرمودند لیدر خودشان را معین فرمایند حالا که يك حزب یا بگردد این را معین کرده است داخل مذاکره میشوم که اینرا ائتلاف مینامند یا حزب از موضوع مذاکره ما خارج است حالاً بنده عرض میکنم از طرف حزب اول دو شب سه شب پیش پروگرامشان مین برسد و آن عده مشب از طرف حزب اکثر عده شان و پروگرام - و سر دسته و کاندیدای خودشان را معرفی کردند حالا از حزب اقل میگویند فردا هم سر دسته خودشان را معرفی خواهند کرد و هم عده و هم افراد آن حزب را این را هم بنده قبول دارم و ممکن است فردا معرفی بکنند و خواهش میکنم از آقایان که در موضوع مذاکره این مطالب اگر حرفی دارند بفرمایند و الا داخل در یک مذاکره خارج از موضوع نشوم

معزز الملک - چون اینجا یکمده اسامی ذکر شده و اشتباهاً اسم حزب گذاشته شد، بود روی اکثریت و اشاره هم شد که حتی جاها راهم باید تغییر بدهند محض اینکه در آتیه سوء تفاهمی نشود چنانچه در این مجلس شروع شده است که سوء تفاهمی می شود بنده آنطوری که میدانم و مینم لزوم تشکیل اکثریت و ترتیب این اکثریت را این است که کلیتاً ۱۴ ماه است که از عمر قانونگذاری ما میگذرد و ما دیدیم که آنطوریکه باید موقوف بشویم و بقاصد خودمان عمل بکنیم و اقدامات لازم را بکنیم موقوف نشده ایم برای چه برای اینکه وقت ما که خیلی عزیز و گرانبها بوده است برای این مملکت بیهوده صرف شده است این بوده است که ما در کار های خودمان معتقد بیک

نقشه و پروگرام خط مشی نبوده ایم تمام زندگانی خودمان را زندگی روزانه و مطیع حوادث قرار داده ایم البته هیچ کاری نمیتواند بیک نتیجه خوبی برسد در صورتی که انسان پیش از وقت خودش را نسنجیده باشد خود و استعداد خودش را نسنجیده باشد و آرزوی خودش را هم ندانسته باشد و میخواهد قوه و استعداد بفلان مقصود برسد تا آنکه این سه فقره پیش بینی نشده باشد و انسان روزانه زندگی بکنند و مطیع حوادث و وقایع بشود البته نتیجه نخواهد گرفت و همان چیز پیش خواهد آمد که بدبختانه در مملکت ما پیش آمده است یعنی دوقوه ای که مقننه و مجریه است عوض آنکه با هم کمک کنند و تمام کارها را تصفی بکنند تمام وقت خودشان را صرف حمله و دفاع از یکدیگر کردند سه کابینه تا حالا روی کار آمده است که این سه کابینه با وجود اینکه در ابتدای معرفی برای آن آرزوی خودشان را که پیشنهاد بنا کرده اند دیدیم که يك نقشه و آملی در نظر داشتند ولی مع التأسف موفق نشدن با اجرای آن پروگرام و اگر موفق شده اند بیک اندازه ای موفق شده اند برای چه برای اینکه وزراء نمی دانستند تسکینه گاه آنها کیست در مجلس یعنی در مجلس يك اکثریت ثابتی که بدانند چه میخواهند و چه طریق میخواهند وزراء تمام وقت خودشان را مجبور بودند صرف استقرار خودشان بکنند و بیک وزیری که باید بدانند در مجلس کدام و کیل طرفدار او است و از او مدافعه خواهد کرد منتظر بود که از هر يك از افراد و کلا مورد حمله شود در صورتیکه نمیدانست تنها خواهد بود در دفاع از خودش باین که یکمده ای با او همراه و هم آواز خواهند بود این است که کارها متزلزل شده بود و میچ وزیری نمیتوانست کاری بکنند بعلاوه علت دیگری هم در کارها پیدا میشد و آن این است که مابک آرزویی را هم یکمده بودی را که از یکوزیری میخواستیم یکمده تی را که ممکن بود آن وزیر با ما هم آواز شود آنهم معلوم نبود مثلاً اگر یکوزیر میخواستیم که يك همچو عمارتی را برای ما بسازد هیچ فکر نمی کردیم چقدر مدت لازم دارد که این عمارت را بسازد و در روز اولی که اظهار میکردیم مقصود خودمان را که اینکار را باید بکنی اگر پنج روز میگذشت اینکار را انجام ندادند فوراً مورد حمله و سختها واقع میشد و ما تصور میکردیم که کلیتاً عیب در اشخاص است همینکه عمر و را تغییر میدادیم وزیر را بجای آن نشانیدیم تصور میکردیم ایران آباد و گلستان خواهد شد بدبختانه این امتحان دوره چهارده ماهه نشان داد که ما در تمام این موارد اشتباه کرده ایم و عیب زیر سر خودمان بوده است اگر ما میخواهیم کار بکنیم اکثریت نامی در این مجلس تشکیل شود آن اکثریت بدانند چه باید بکنند و آنچه را که میخواهد در چند مدت میخواهد و این اکثریت باید اینقدر حوصله داشته باشد که خیلی زود از جاده خارج نشود و این قدر وقت نهدم بآن کسانی که محل اعتماد هستند که این مقصود او را بوقع اجرا بگذارند و آن نتیجه مقصود را بدست بیاورند و والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه هم گویا پس از ورودشان ملتفت همین نکته هستند و قبول کار و تشکیل کابینه را موکول بمتبعین يك اکثریت تامی فرموده اند و در واقع هم همین است که اگر انسان یکفکری فکر بکند می بیند که تا بیک اکثریت تامی در مملکت نباشد

یعنی آنچه چیزی که حکمفرماست در مملکت همان اکثریت تا وقتی که آن دستور دهنده در مملکت نباشد همیشه دچار بحران خواهیم بود همیشه دچار اساسی خواهیم بود و هیچ کاری از پیش نخواهند برد و در بعضی جاها یکسبب ممکن است تشکیل اکثریتی بدهد ولی در بعضی جاها يك حزب کافی نیست چنانچه الان در انگلستان اکثریت پارلمانی از يك حزب نیست لیبرالها هستند کارگر ها هستند ایرلندی ها هستند و يك چیزی را در نظر داشتند و ما به الاتحادی را ایجاد کرده اند و موادی را در نظر آورده اند که بدانند از روزی چه میخواهند و چه ترتیب میخواهند در اینجهام همینطور شده است و اگر اطلاق بکنند در این مسئله باین اکثریت اسم حزب را بنده قبول ندارم بنده خواهم اظهار کرد که این حزب نیست ولیکن این را بنده عرض میکنم که آن احزاب راهم نباید مجبورشان کرد که خودشان را معرفی بکنند این در هیچ جای دنیا نیست این اکثریت در موقع ائتلاف خودشان برقرار هستند و تشکیل شده است از دوسه حزب که بعضی از آنها از نمایندگان بی طرف هستند بعضی بدبختانه غلط ترجمه شده است و اسم آنها را گذاشته ایم بی طرف آن ها بی طرف نیستند اندو باند هستند حالا که این اکثریت باین ترتیب تشکیل شده است می خواهید بدلیم چه میخواهند و بنده حاضریم که باین اکثریت همراهی بکنم یعنی تمام آقایان عقیده شان همین است (گفتند صحیح است) چون ممکن است پروگرام و آملی های فرق سیاسی خیلی از هم دور باشند و ایرمانهایی که برای انجام آنها لازم است ممکن است مختلف باشد پس هر چه برای انجام آن نظر ها معین کنید لازم است کمتر بکنیم طبیعتاً اختلاف نظر ها هم کمتر میشود باین جهت نگاه کرده اند دیده اند اگر بخواهند آن پروگرام های آملی را در نظر بیاوریم يك خورده (کویرومه) بکنند یکمده نزدیک بشوند و از آن آرزوی مسلکی خودشان بگذرند این است که ممکن نبود این اکثریت تشکیل شود آمدند سنجیدند آمدند تی را که مانده است برای این دوره این هفت ماه که چه باید کرد و يك پروگرام عملی را ترتیب داده اند که بدانند مقصود خودشان اهم مطالب بنظر میرسد که تصور میکنند در ظرف این مدت ممکن الاجرا است همه اینها را تصور کردند و روی کاغذ آوردند یعنی میخواهند بگویند که آن کابینه که میخواهد در آتیه تشکیل بشود عمل اعتماد این اکثریت بشود باید این تمایل اکثریت پروگرام را در نظر داشته باشد و رفتار خودش را مطابق بکنند باین اکثریت و بنده شخصاً چون معتقد هستم که تا چندی در مملکت ما باید از روی پروگرام عملی کار کرد چنانچه در این باب مجلس شورای ملی هم یکوقتیه همین عقیده را انتخاب کرد و يك کمیسیون پروگرامی تشکیل کرد ولی کار او منتج نتیجه نشد و چنانچه عرض کردم عقیده بنده این است که باید از روی پروگرام های معین در يك مدت معین کار کرد تا بشود کارها را از پیش برد و بنده داخل این اکثریت هستم که تا وقتی که يك هیئت دولتی مطابق

این دستور رفتار بکنند و مطابق مصالح مملکت رفتار بکنند و مطابق این پروگرام عمل بکنند بنده بواسطه اینکه تزلزل کابینه را مضر میدانم که هر روز يك کابینه عوض شود بنده تا آن روز مدافع این کابینه خواهم بود و تصور نخواهم کرد اینجا يك چند کلمه عرض کنم در باب اقلیت داشته باشد آن هیئت دولت با کمال خوبی نمی تواند تکیه بکنند با آن اقلیت و کار بکنند و گوشزد بکنم تمام آقایان که مملکت نیست اینطور نمی تواند درك بکنند آن اهمیت موقع را و درك بکنند مخاطراتی را که ما در پیش داریم و فقط تصور نکنند همینکه يك اکثریت يك کاری را قبول کرد اقلیت باید در صدد حمله بر آن اکثریت و هیئت دولت باشد بواسطه اینکه با وضع حاضره که ما داریم فقط حمله يك اقلیت خیلی کوچکی متزلزل بکنند مگر اینکه به بنیم این پروگرام عملی را تمام با اتفاق پذیرفته است و تمام مجلس شورای ملی تکیه گاه کابینه است و بیک جهت و يك دل حامی و حافظ قوه مجریه است (اکثر تحسین کردند)

محمد هاشم میرزا - مقابل آن مشولیتی که بنده دارم اگر چه اثبات شتی نمی ماعدا نمیکند و لازم نیست نمایندگان بمجرد اینکه جزء این ۷۷ نفر نبودند عقیده شان برخلاف این پروگرام باشد حالا هم عرض میکنم که بنده این پروگرام را ندیده ام نه اینکه تصور شود که بنده دیده ام و نفی کرده ام بجهت اینکه اشخاصی که این را امضاء کرده اند گمان نمیکنم احدی منکر باشد و سایرین هم ندیده اند و اگر به بینند متفق خواهند بود و یکی از آنها بنده هستم

هشترودی - بنده آنچه تشکرات بوده و هست در جلسه سابق هر چه بود کردم و خیلی خوشوقتم از اینکه مجلس ما دیگر مجلس شده است و چون حضرت رئیس فرمودند که از این موضوع نباید خارج شد لهذا بنده هم مجبورم که هر چه عراض خارجی دارم عرض نکنم و عراض علیحده را نکنم بجهت اینکه از موضوع خارج نشوم اولاً جلسه گذشته اعلان کردم بنده بی طرفم ولی بان معنی که آن روز گفته شد ولی چادو دیوار نه بیطرفی که تا بحال داخل يك فرقه نشده است ولی خودش هم اساس صحیحی در نظر خودش برای سیاست مملکت عقیده مسلکی دارد و مجبورم نیست چونکه نه داخل است نه آنها میخواهند کار مملکت را انجام بدهند بیاورند پروگرام خودشان را روی میز رئیس بگذارند اینهم لازم نیست و این را هم عرض بکنم که بنده به معین پروگرام عملی که میگویند بنده هم در بیطرفی خودم عرض میکنم که یقیناً این پروگرام اساسی و آملی حقیقی که میگویند که صاحب مسلکها می نویسد آن نیست بنده هم دیده ام یعنی باین معنی که بخود بنده داده اند که امضا بکنم ولی چون بنده از این امضا را بچه کردم که شاید منتشر بشود که داخل این حزب شد و بنده در بیطرفی خودم این را حزب نمیدانم چنانچه خودشان هم تصدیق کردند مگر اینکه همین جور که گفته شد که يك اتفاقی شده است و اشخاص متعدده اکثریت مجلس

را برداند بعد از اینکه اینطور شد معلوم شد که این حزب نیست و مراعاته که برای آملی هزار سال یا صد سال یا بیست سال باشد نیست بینی و بین الله در بی طرفی خودم تصدیق میکنم که این پروگرام که دارای بیست ماده است این مواد بیستگانه خیلی لازمه این مملکت است و بنده هم در این مواد شریک خواهم شد ولی این شراکت من این را نفهماند که من داخل این حزب هستم عرض کردم چون بنده هم چنین فهمیدم و اگر در مجلس صحبت شده ام امضاء بکنم و هم داخل حزب بشوم بجهت این این کار را نکردم ولی در مواد بنده شریکم و یکی را اسم ببرم که آقای معین الرعایا هم شریک هستند خودشان باید تصدیق بکنند تا بنده بکنم (آقای معین الرعایا تصدیق کردند) و و کلا باید باین مواد شروع بکنیم بینی و بین الله تبریک میگویم این اکثریت را که ائتلاف میگویند بلوک میگویند یا هر چه میگویند که این مواد را ترتیب داده اند برای دوی مملکت ما و باید شروع بشود ولی يك چیزی که بنده اینجا تقاضا میکنم عقیده ام این است که اتفاق خواهد شد برای اینکه این مواد موادی نیست که آنها را بکنند اگر خدای نخواسته آنرا نشان نداده و نخواهند این را چاپ بکنند شاید برای آنها يك صدمه داشته باشد من در بیطرفی خودم عرض میکنم که این مواد را عرضه بدارند با اقلیت اگر متفق شدند آنوقت چاپ کنند در بی طرفی خودم این تقاضا را بنده از حضرت رئیس میکنم و گمان میکنم که همه این تقاضا را بکنند

معین الرعایا - بنده این مواد را دیدم و در صدد بودم که امضاء کنم و تمام آن را تصدیق دارم و بآن مواد همراه هستم

حاجی شیخ الرئیس - بنده لازم میدانم اولاً تشکر کنم از وجود مقدس والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و دلیل این تشکر این است که معلوم است چه در دوره متعدد هیچکس نمیتواند منکر شود که يك اکثریتی در مجلس کار فرما و منشاء اثر نبوده است و دلیل اینکه اگر اکثریت نبود هیچ لایحه قانونی نمی گذشت و ما هیچ تأسیسات تحقیقاتی که راجع به مجلس شورای ملی بوده در عهده اجرا نمی رفت و در عقده تویق میماند ولی می توانم عرض کنم که آن اکثریت اگر چه تا درجه ثابت هم بوده است بطور غیر مستقیم و يك عنوانی بوده است در نظر عموم ملت تا چه رسد که میخواهد ترقی بدهم که در میان خود نمایندگان محترم هم يك اکثریتی از مقام کتر مخفی من احب ان اعرف نمیخواست بشود آن نظر سیاسی و اطلاعات علمی و عملیه که والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دارا و مسلم کل اندادین علاج مملکت را در این دانستند که احزاب بطور تمایز در مجلس شورای ملی خودشان را در مجاورت و مکاتباتشان خیلی استعمال می کنند و بنده آن کلامه قهرمانیت ایشان را عرض میکنم خارج از موضوع نیست قلب الاحزاب وحده یعنی احزاب را در آن قوه فکریه خودشان متقاعد شدند و همه حاضر شده اند که خودشان را

مرفی بکنند چنانچه حزب اکثر معرفی کردند البته حزب اقل هم بطوریکه آقای رئیس اخطار فرمودند و اظهار کردند اسماً و رسماً خودشان را به مجلس معرفی میکنند و بنده امروز را روز سعادت این مملکت میدانم که ما با اکثریت حزبی - بنده خیلی جسارت می کنم که این الفاظ را می نباید ملاحظه کرد یک هیبتی ولو مسلکهای وجدان نشان خیلی بسا هم متباین باشد امروز چون دیده اند که اکثریت ثابت در مجلس نباشد گویا تجویز کرده است مجلس شورای ملی بر اختلال امور زیرا که آن اکثریت هیبت حاکمه مملکتی است پس بنا بر اینکه بنده عرض میکنم حالا آن لفظ فرنگی یا ایرانی که آن اختلاف مین همان نتیجه است که از حزب اکثریت میخواهند و این مطلب را هم لازم میدانم خاطر نشان نمایم که محترم بکنم که مسلک و پروگرام یک فرقه در کلیات است چنانچه همه اظهار کردند که آن پروگرام را بخواهند تا همه نمایندگان بدانند شاید در اساس پروگرام همه اتفاق کنند و اکثریت تبدیل بشود یک اتفاق بنده این را رد میکنم که این اتفاق هرگز حاصل نمیشود و بواسطه اینکه اگر ما در یک اصول کلیه اگر حرف بزنیم کمان نمیکند که هیچکس منکر باشد مثلا تمجید معارف که اعتدالی هستم دیگری هم می گویند تمجید معارف شاید ده مرتبه هم بگویند و این را ناچارم عرض کنم که بخاطرم رسیده است - ای ماه مجلس - آرا را بر روی هلالی - چشم توانقلابی - فدوتواعتدالی در مقام جریان عمل وقتیکه می گویند امنیت عمومی و چنانچه در پروگرام سابق ورزا پیشنهاد کردند حال در مقام اجرا چنانچه دیدیم در دوره سابقه خواستند اعاده امنیت بدهند و خواستند اعاده امنیت بدهند و خواستند انارثیت خونریز را از این مملکت ریشه اش را بکنند همه و کلا رأی دادند مگر تشکر می کنم که آقای مؤتمن الملک که فرمودند عجز نکند بر روی رأی واحدی بود معیت شد لکن حالا بنده عرض میکنم که در مقام جریان آن آرزوها چه جزئی باشد چه کلی لابد کلی منتهی میشود جزئی امنیت طرق را بنده یک سلیقه دارم که کمان نمیکند که کسیکه با من هم سلیقه باشد همراهی نکنند بنده شاید امنیت را اینطور معتقد باشم بملاحظه حالت حالیه و آن مقتضای کار امروز را سوق میکنند و میراند بآن وجه که امروز دولت خیلی با ملایمت با تأیید با یک رعایت کفایت و مراعات جهات لازمه امنیت را اعاده بدهد یا اینکه شاید امنیت هست کامل بکنند و شاید نظر آن طرف هم حالا تنقید نمی کنم او هم بهین نظر یک بنده توجه بهین متوجه باشد ولی حالش این باشد که باکمال قهاریت با نهایت جدیت و شدت اعاده امنیت کرد و آن ترتیبات لازم را براهین جاست که اختلاف پیدا می شود و شده و بنده این آرزو را از روی محال میدانم و از مقوله عهد شباب است برای بنده که عرض می کنم اتفاق در جریان محال است هیچکس نمی گویند امنیت نمیخواهم همین متدین درست کار در ادارات نباید داخل کرد این محل حرف نیست

یک نکته دیگر عرض میکنم و سخنم را دیگر اطاله نمیدهم و آن این است که خاطر آقایان متوجه باشد که اختلاف مسالک در امور سیاسی مادامیکه منتهی نشود بیک عنوان دینی و ایمنی امکان ندارد وارد داخل مسلک قرار بدهند بنده با اینکه تقدیس میکنم همه مسالک را برای اینکه نظریات تمام اصلاحات مملکتی است اما این وقت نمی توانم بگویم که کسی که مالک زمین است فقط سطح زمین مال است بیک قدری که پائین رفت دیگر آنرا مال او میدانم من نمیتوانم داخل مسلک بشمارم این را که ملک را باید مجبور کرد که باید املاک را برعایا بفرشند زیرا که منافای با ادبی است که الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم زیرا که با تمام قوانین عدلیه و عقلیه و شرعیه منافای است.

حاج آقا - بنده تصور میکنم بعد از اظهارات آقای مرموز الملک و آقای حاجی شیخ رئیس دیگر هیچ موقعی برای مذاکره نباشد (یعنی از طرف فرقه اکثریت عرض میکنم البته ا در اقلیت فرمایشاتی داشته باشند باید بفرمایند) ولی چون حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن اظهار کردند که آندوه بنده بعضی عرایضی کرده ام باز هم بنده مجبورم توضیح بدهم و همان فرمایشی که آقای حاج شیخ رئیس کردند این مرامنامه که تقدیم هیئت رئیسه و تقدیم آقای رئیس شد همانطور که گفته شد یک موادی است که اکثریت و اکثریت را بر آن شده است برای پیشرفت امور مملکت با نظریه و الاحضرت اقدس آقای نایب السلطنه تقاضا کرده بودند و این مواد چون حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا در مجلس سابق فرمودند که باید احزاب علنی و معلوم شود که مرامنامه اکثریت چیست و دیدند که در بعضی پرک و شاخها همان میزان را گرفته بودند معذرت لازم دانستند که اکثریت امروز بیان مرامنامه خود را بکنند و ظاهر کند که آنها هستند که در این اختلاف داخل اند یعنی در تحت نظارت اختلاف داخل شده اند با اینکه همانطور که بیان شد خیلی از اشخاص هستند که آن مواد را قبول دارند و همانند با این مواد ولی وارد بترتیبات نظارت نمیشوند و عرض میکنم گفته شد که این مواد چه بسا اگر تمام اعضای مجلس شورای ملی اراده میشد همه اتفاق میکردند بنده خواستم تشریح بکنم که بدیهی است که ممکن است یک موادی باشد که همه تصویب بکنند بلکه همه اتفاق در آن داشته باشند ولی کسیکه متفق میشوند بر یک موادی مثلا مقصود این نیست که بنده با آقا میرزا اسدالله خان یا فلان آقا که متفق شدیم بر این مواد یعنی بنده بگویم قبول دارم ایشان هم بگویند قبول دارم و کمالک هلازه بر این درصدد اجرای این مواد هستیم و یک ترتیبات مخصوص برای اجرای آنها پیش گرفتیم که بلکه بوسیله آن ترتیبات را اجرا کرده در این مقام مبارک اشخاص در این ترتیبات و با هم کار کردن یقیناً طبیعی است و مستلزم این است که همینطور که بیان شد اتفاق خیالات سیاسیاش موافق یا نزدیک باشد باین معنی که یک موادی را مواد اتفاقیه قرار داده و تزلزل کردند از آرزوهایان بگیاور باشد که نزدیک بهم باشد که

در مواد اتفاق تصادم نکند و اسباب اختلاف نشود والا این معقول نیست که یک کابینتی آنطوریکه بیان شد مثل تعمیم معارف تامین مملکت که بدست هر کس بدهند بگویند من موافقم آنها مواد اتفاقیه یک معنی بود و من تصور میکنم که این مواد اتفاقیه تمام ایرانیها است ولی در مقام جریان اینها و در مقام اجرای اینها باید یک جماعتی باشند و در تحت یک نظامانی باشند که مذاقتان نزدیک بهم باشد والا همان تصادم از خارج پیدا خواهد شد و آن اکثریت و اختلاف را ابداً نباید اکثریت و اختلاف گفت در ممالک خارجه که یک بلوک تشکیل میشود اتفاق نمیخواهند اصحت را بگذارند لابد سه دسته چهار دسته با هم مدغم میشوند در مقابل یکدسته دودسته این ارجحیت سبب این است که فلان دسته با فلان دسته افق سیاسیاش نزدیک است از این جهت مؤلف میشود واد چرا نمی رود با آن دسته مؤلف شوند و با این یکی مؤلف میشوند پس این طبیعی است که باید افق نیلایات سیاسی در مقابل اجرای مرامنامه و مصاد خودشان یکی باشد یا اولاً اگر یکی است نزدیک باشد پس این مواد همانطور که بنده شد طبع خواهد شد و بضراف این خواهد رسید ولی آقایان البته قبول دارند در موع اجرای این مواد همراهی خواهند کرد ولی این یک ناصبی محالی است چنانچه آقای حاجی شیخ رئیس فرمودند که بنده هم ایشان را نباید میخندم نه یک جماعتی نه در اصول مرامنامه خودشان و اصول مسلمی خودشان خیلی با هم میبایست دارند اینها بواسطه در یک اصول نه من باب طرفیت شخصی است طرفیت نظری است معقول نیست که اینها بتوانند در تحت یک نظامی بایستند الان عرض کردم و بار هم میگویم که چون مواد مسلمی پروگرام دموکرات یا مواد مسلمی من مخالف است معقول نیست که بتوانیم با هم کار بکنیم و این کمان برود که بنده بفرس شخصی این عرض را می کنم این اسباب تزلزل است پس این مطلب را بدانند و سببش این بود که آن مواد آقایان بنده جزء حزب دموکرات بودند نشان داده نشد بجهت اینکه ممکن نیست داخل یک نظام باشیم و با هم بنشینیم و با هم یک چیزی را تمام بکنیم بجهت اینکه ایشان یک نظری دارند و بنده یک نظری آنوقت بواسطه همان مسلک که از هم متفرق میشویم و اکثریت مقرر می شود نمی توانیم اختلاف و با هم کار کنیم چون مایوس بودیم از اینجهت نشان ندادیم سبب همین بود که آن مواد با آقایان بنده جزء حزب اکثر بودند نشان داده نشد و بسایرین نشان داده وجهه همین بود که بیک جماعت ما باید اختلاف بکنیم که با حزب دموکرات نمیتوانیم کار بکنیم از این جهت نشان ندادیم اما در باب اینکه اشاره فرمودند الحمدلله معلوم شد و مسئول است و همه بدانند البته این طبیعی است مسئولیت بآن معنی که میفرمایند البته حکومت در دست اکثریت است انشاءالله به از این خواهد شد ولی تا امروز معین نشده بود و حکومت در دست اکثریت نبود و بنده هم هر وقت این کلمه گفته شود لابد بگویم و فریاد بزنم که تا امروز از این دوره جدید حکومت با اکثریت

نمود و پریروز عرض کردم که با کسی بود در کابینه بود در این مجلس که هیچکدام از آنها بآن شرحی که عرض کردم در منزل و الاحضرت اقدس نایب السلطنه هم عرض کردم ولی متأسفانه آن روزنامه که نوشته بود و آن بیانات شاهزاده سلیمان میرزا نوشته بود اگر چه ادله شاهزاده سلیمان میرزا بیان کرده بود ولی جوابهای بنده را بیان نکرده که اگر آنها چاپ میشد محتاج نخواهم بود که این جا بگویم که جواب مرا چرا ننوشتند و عرض کردم که چطور می شود که اکثریت نتوانست زمام حکومت را بدست اکثریت آمد مسئولیت باین معنی بدست اکثریت یعنی حکومت باید بمذاق اکثریت اجرای خیالات بکنند و جریان امور بمذاق اکثریت باشد اما عرایضی که بنده عرض کردم باز تکرار می کنم که اگر فقط همان قدر استفاده کرد از کرسی نطق راست است که هیچ مسئولیتی ندارد بواسطه اینکه وضع قانون بسته برای اکثریت و اجرای قانون در خارج هم که با اکثریت است ولی این مادامی است که فقط استفاده از مز نطق بشود نظرات اکثریت را در قانون گذاری ولی در مقابل اجرای قانون در خارج اشکال تراشی نشود و معلوم است که اگر بشود نباید بگویم که این مسئولیت کردن اقلیت نیست بعضی اگر فرض کنید که در مقابل یک قانونی که یک اکثریتی وضع می کنند یک سنک جلوش میگنارند البته باندازه خودش اگر خرابی تولید شود شبهه ندارد که مسئول است بواسطه اینکه او مخالفت کرده است از اجرای آن قانون مثلاً اکثریت در این مجلس بواسطه یک حرارتی یک قانونی گذاشت آن قانون همانطوریکه گفته شد که آقای مؤتمن الملک بودند و یکی دو نفر دیگر که بنده هم جزء آنها بودم که گفتند یک قدری صبر کنید و آن قانون را بگذارید باز اگر در خارج بطور عدم تجربه جاری شده بود شبهه نداشت که خیلی اثراتش بهتر از این که حالا بود در اینجا میشد اما فرض بفرمایید که اگر تجربه شد و تماشای مجری نشد یک مانع جلوان را گرفت این بدیهی است که آنها جلو گیری از اجرای آن کردند مسئولند این را هیچ عاقلی نمی تواند بگوید یک اکثریتی قانون بگذارند و اجرای آن بکنند باز یک اقلیتی که با هیچ مداخله ندارد مخالفت بکند و مسئول نباشد بنده برای توضیح عرض خودم لازم دانستم این عرض را بکنم و در آخر عرض میکنم همان فرمایشی را که آقای رئیس فرمودند باز من مکرر میگویم که شاهزاده سلیمان میرزا خیلی اصرار داشتند و میفرمودند اکثریت یک حزبی مثل اقلیت پیدا میکند و پروگرامشان منتشر شده بود و آن اصراری را که شاهزاده سلیمان میرزا کردند برای این بود که خودشان را ظاهر بکنند ولی این بدیهی است که بیک حزبی که اکثریت دارند این قدر تحکم میکنند ظاهر باشند خودشان هم باید حاضر باشند که امروز همانطوریکه اکثریت اسماء خودشان را خواندند آنها هم اسمی خودشان را خوانده باشند و بروز پنجشنبه نیفتد حالا که خیلی شده است .

رئیس - بنده خیلی تعجب می کنم از این همه مباحثات مسلکی اینکه بنده در اول مجلس عرض کردم که اقلیت و اکثریت و کاندیدهای خودتان

را بن بفرمائید بنده منتظر بودم که بدون هیچ نطقی بدون هیچ ترتیبی جواب بنده را میگویند و تکلیف بنده را معین می کنند و این نکته را عرض کنم که بنده خیلی خوشوقتم که در این مجلس گفتگو میشود که اکثریت خواهد شد البته این اکثریت ثابت خیلی اثرات بزرگ در امورات مملکتی پیدا خواهد کرد اما منتظرم که این اثر در خود مجلس هم پیدا بشود بجهت اینکه وقتی که این اثر در خود مجلس ظاهر شد سر دسته معین شد فلان حزب معین شد گمان بنده این است که هر قانونی که اینجا می آید اگر سابق در سه ساعت وقت یک قانونی میگذاشت شاید بعد از این در سه دقیقه بگذرد ولی تا اساعه بنده این را قبول نمیکنم مثل اینکه الان سی نفر اجازه خواسته اند اگر از اول همینطور بر دین اجازه بدهم باید یک چند ساعت از صبح هم در این مذاکره کنیم پس خواهش دارم که این مسئله رعایت شود اطمینان که معین است سر دسته ایشان هم معین است اولاً به بنشینم این مطلبی که عنوان میشود برای این است که مذاکره و گفتگو در آن بشود و یا یک سئوالی است از بنده کرده بودند باید جواب بدهم .

آقا شیخ رضا - اجازه که خواسته بودم راجع بود بآن صحبت هائیکه جاری بود بین حضرت رئیس و شاهزاده سلیمان میرزا که آقای رئیس مطالبه کردند از ایشان یعنی از فرقه شان ناطقشان و معده شان وطنی شدنشان را بطوریکه فردا اسم ببرند که با هستند و شاهزاده سلیمان میرزا اظهار کردند و چون ما نمیدانستیم اینطور خواهد بود و هنوز آن ناطق معین نشود نمی توانیم بدون رسمیت جواب بدهم لکن مع التأسف توقع می کنم که آقایان نمایندگان و حضرات تماشای چنان التفاتت بفرمایند بنده بفرمایند معذرت در اینجا چیزهایی گفته شد که تصور نمی کنم که این مجلس سیاسی بود یک چیزی عرض می کنم که اسباب گرفتاری نشود برای کسانی که شاید امری بر آنها مشتبّه بود بنده حضرات تماشایان و نمایندگان که اینجا نشسته اند شهادت می دهم بر اینکه خدایگانه است و نظری ندارد و شهادت می دهم که حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله پیغمبر است و شهادت می دهم بر این که علی بن ابیطالب و یازده فرزندش امام بوده اند و شاهد میگیرم بر اینکه مردنی هست و بعد از مردن بشتی هست و خداوند از برای مجازات مخلوقش یک جنتی و یک ناری معین کرده است و شهادت می دهم بر اینکه مافات فی غیر خیر من الحیوة فی ذل بعد عرض میکنم اما آن کلماتیکه بین شاهزاده سلیمان میرزا و حضرت رئیس جریان پیدا می کرد آن را عرض کنم آن چیزهاییکه راجع بهت بود عرض کنم خیلی دوست دارم آن چیزیکه لا حضرت آقای نایب السلطنه در دربار در حضور نمایندگان اظهار فرمودند و کلامه شنیدم که در آن مدتی که وارد طهران شده ام سابق بر آن بالاتر از کلمه رانشیده بودم این بود که فرمودند معایب کار را بی دیده بگویند خیال نکنید اگر معایب کار را بیوشانید دیگران بی خبر باشند

معایبشان را ندانند که صد هزار پرده روی آن بیوشانید و امریک لندن اروپا شرق و غرب عالم آنها که دولت اند و تمدن و صفشان است آنها می فهمند خودشان فرمودند همه ما اسکن پرده پوشی نکنیم بدوین کلمه بود که از بدو ورود بطهران تا بجا هیچ کلمه من را آن قدر بشمف نیاروده بود و بالا ترین کلمه است که گویند آنرا بگویند اینجا یک صحبتی شد و الاحضرت اقدس از راه قانونیت از آنجا که قانونی و شخص عالم است فرمودند که بدست من نایب السلطنه از روی قانون اساسی که در میان معمول است هیچ حقی برای من نیست و اگر شما نمایندگان و تمام ملت بخواهید بمن حق بدهید قبول نخواهم کرد ولو اینکه بعضی از نمایندگان بودند که در نظرشان بود حقوقی بایشان بدهند بملاحظه آیه لکن بملاحظه اینکه تمام عمر این مملکت را مستغرق نخواهد کرد عمر و الاحضرت این شخص بزرگوار و یک وقتی هم می آید که ایشان نایب السلطنه بنشینند شاه بزرگ میشود ممکن است صد سال دیگر کسی دیگر شاه بشود و کسی دیگر روی کار بیاید در نیابت سلطنت چه میدانم چه کسی میشود باین ملاحظه فرمودند من اگر ملت هم بخواهند حقوق زیادتر از اینکه امضاء کردن قانون مصوبه و پیشنهاد کردن آن رئیس الوزرائی که وزرا را معرفی بکنند یا ارمان غیر از این من حقوقی نخواهم پذیرفت آنوقت فرمودند چونکه حق ندادم این است که باید شخص من که برای نیابت سلطنت انتخاب شده ام ولی چون این یک چیزی است که عزل کردن من بوجه آبی نیست ولی اینکه با اکثریت شده است و همه امضاء کرده اند لکن در اول بوجه آبی بود چندی بود که وره آبی انداختن مجال بود یا باید خودشان استعفا بدهند یا بپذیرند لکن مسئله وزرا طوری است که این یک چیزی است که اگر در مجلس یک اکثریت ثابت نباشد که پشت آن کابینه باشد و با اطمینان قلبی یک کاری را انجام بدهند ولی خودم تا وجود دارم و تا استعفا ندادم هستم همین طور نایب السلطنه خواهم بود و اظهار شد که تا امروز اکثریت خودشان را نشان نداده اند اینست که این یک مسئله است که من استقبالش می کنم و خیلی نظر صحیحی هم بود اظهار شد که یک اکثریتی در مجلس بود و الاحضرت اقدس آقای نایب السلطنه میدانستند که یک اکثریتی بود و هر کابینه از روی یک اکثریتی سرکار آمد بلی در آخر طوری شد که برف بکی از یاران ما بر میخورد آنوقت میرفت بی کار خودش این است که فرمودند که یک اکثریتی باید خودش را بنمایانند هر کس اوقاتش تلخ می شود برود بیرون که عرایض بنده را نشنود من هیچ سابق نیستم که وکیل یا وزیر بشوم - خواستم عرض کنم که والا حضرت آقای نایب السلطنه فرمودند که یک اکثریتی باید که خودش را بنمایانند آن اکثریتی که ثابت است آنجا شاهزاده سلیمان میرزا خواستند از طرف فرقه دموکرات که بنده یکی از آنها هستم نه حالا هستم بلکه از بیست سال قبل از آن وقتی که فهمیدم که دین اسلام چیست و دین اسلام مبارک است از اینکه ممتازیت باید از بین برداشته شود و از قبل

از اسلام تمام نزاع‌هایی که شده است بر سر ممتازیت بوده است اگر این از میان برداشته شده بود هیچ نزاعی در میان نبود اگر تصور شود که دمو کراسی یک انسانی است بنده کله او هستم و اگر تصور شود که یک کلمه است بنده خودم را تصور می‌کنم که مغز سراو هستم شاهزاده سلیمان میرزا که خودشان از حزب دمو کرات هستند اظهار کردند که فرقه دمو کرات چون از اول اقلیت داشتند و حالا هم اقلیت دارند این است که اینها نمی‌توانند یک کابینه را تشکیل کنند و او را ادامه و بر پا کنند اگر یک فرقه دیگری هستند که دارای یک اکثریت و یک مسلکی باشند خودشان را نشان بدهند که خودشان بتنهائی تشکیل بدهند یعنی یک اکثریتی را تشکیل و آنوقت البته تشکیل یک کابینه در پشت اومی ایستد و او را ادامه می‌کنند و اگر آقایان نمایندگان تصور بفرمایند که یک همچو اکثریتی که والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه تقاضا کردند باید بطور بلوک از روی ائتلاف بشود یعنی فرقه مختلفه جمع بشوند چند ماده در میان گذارند که در این دوره یا در هشت ماه اجرا بدارند البته یک چند چیزی در این هشت ماه در نظر دارند و در این هشت ماه ممکن است اجرا بشود ائتلاف خواهند کرد که بشود فرقه بافرقه دیگری یک همچو موادمشتر که داشته باشند ائتلاف می‌کنند آقای سلیمان میرزا اظهار کردند که من از طرف فرقه ام اظهار می‌کنم که اگر اکثریت یک فرقه نباشد و اکثریت مسلکی نباشد ما دمو کراتها حاضریم برای ائتلاف بهر نحویکه بخواهند (یک همچو چیزی گفته شد) و گفته شد بای صحیح است من کتاب که نمی‌خواهم بخوانم صحبت میکنم عرض می‌کنم آنجا اظهار شد که دمو کراتها حاضرند برای ائتلاف بهر نحوی که بخواهند به یک دستخطی از طرف والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه آمد اینجا و اشاره بود بان مذاکرات اگر چه والا حضرت فرموده بودند اینها سری است لکن چون گفته بودند که نباید علنی بشود ما دیگر نخواهیم خلاف نزاکت بکنیم و بگوئیم اشاره شده بود که اکثریت تمام چطور شد معین شد یانه و از آقایان هم که هیچ تکلفی معین نشد والا حضرت چون دیدند اشاره نمی‌شود تصور فرمودند که اکثریت را اظهار باید داشت بالاخره از فرمایشات حضرت رئیس حالا معلوم شد که اکثریت ائتلافی شده است فرمودند که چند فرقه است اتفاق و ترقی است اعتدال است ترقی خواهند.

رئیس — اینها را که بنده نسبت میدهد عرض نکردم آقای حاج شیخ رئیس فرمودند .

آقا شیخ رضا — همچو شنیدم همچو معلوم شد که اکثریت از ائتلاف شده است که اتفاق و ترقی اعتدال و ترقی خواهان که از روی یک موادمعدودی ائتلاف شده است و ممکن نیست که اتفاق و ترقی که اقرب است از همه به دمو کرات با آنها ائتلاف کند همچو چیزی نمیشود اتفاق و ترقی پروگرامش را بنده دیده‌ام در یک چیز جزئی از قبیل مرکزیت و عدم مرکزیت اختلاف دارند با دمو کرات بعضی چیزهای خیلی جزئی است که اختلاف

بنظر می‌آید گردیده باشند میدانند صحیح عرض میکنم آقایان تماشاچیها دیگر حضرت رئیس فرمودند آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان آمدند اینجا اظهار کردند که اکثریت ما این اشخاص هستیم و پروگرام عملی که اینجا تقدیم شد خدمت آقای رئیس و گفتند بچاپ میرسد و بنظر همه میرسد آنوقت آقای رئیس فرمودند فرقه دمو کرات هم خودشان را بشناسانند اسامیشان را فرداً فرداً بگویند چنانچه پروگرام خودشان را آوردند و دادند حضرت رئیس شاهزاده سلیمان میرزا چون معین نشده بود رسماً بلی‌داری چون نظر خودشان بود و از طرف فرقه نفرمودند بنده هم از طرف خودم چنین می‌فهمم شاید نظر فرقه هم به همین باشد این توقع از طرف فرقه دمو کرات نشده است و جای این توقع هم نیست از فرقه دمو کرات بجهت اینکه اینجا چند فرقه مؤتلف شده اند که پروگرامشان این است مؤتلفین اسامیشان اینست مواد پروگرام عملیشان این است آری در مقابل این میشود این کسانی که هستند ائتلاف می‌کنند میفرمایند اینها مؤتلفند پروگرامشان هم چاپ می‌شود شما هم بیایید پروگرام خودتان را بیاورید و ائتلاف کنید اگر یک مسلک بود که اعتدالیها آمدند اینجا می‌گفتند که این صاحبان مسلک پروگرامشان این اسامیشان این مؤتلفین اینها هستند آنوقت یا میشدیم یکی بنده بودم ولی مؤتلفین اینها هستند و آنها که ائتلاف نمی‌کنند کجا هستند معلوم نیست بگویند آن مواد ائتلاف چیست تا بگوئیم که ما هم اتفاق میکنیم اگر یکی از مواد این باشد که ما ائتلاف کنندگان باین ائتلاف کرده‌ایم که خدا یکی — لعنت بر آن کسی که بگوید خدا دوتا است — و یکماده اش این باشد که حقوق هر شخص از شاه تا گدا محفوظ باشد لعنت بر آن کسی که بگوید اینچنین نباشد اگر یکی از مواد پروگرام این باشد که باید استقلال مملکت را نگاهداشت لعنت بر آن کسانی که خیالش غیر از این باشد. ادمو کراتها که خودمان را معرفی میکنیم که طرفدار پست هستیم بمعنی اینکه پامیفشاریم که آنها را بر گردن اشراف سوار بکنیم اینطور نیست چونکه تاکنون اشراف سوار آنها بودند و ظالمین بآنها بودند میگوئیم که دیگر نخواهیم گذاشت که بآنها ظلم بشود بظالم بودن آنها راضی نیستیم و میخواهیم نگذاریم که بگردن آنها سوار شوند پس این سؤالی که حضرت رئیس فرمودند که شما خودتان را معرفی بکنید این چیزی است محال هیچ نباید این سؤال را کرد جواب ندارد

رئیس — شما خودتان وعده دادید که فردا خودتان را معرفی بکنید این ترتیب نطق نیست که میفرمائید مطلب خودتان را بفرمائید شما نطق‌هایی که از اول مجلس تا بحال شده است تکرار میفرمائید یکساعت و نیم است که متصل نطق میفرمائید و مرا اینجا نگاه داشته‌اید بنده سؤال کردم و شاهزاده سلیمان میرزا برخاستند جواب گفتند که فردا اینکار را خواهیم کرد.

آقا شیخ رضا — عرض کردم که ما آنوقت میتوانیم خودمان را بآنها نشان بدهیم که معرفی آنها مسلک باشد آنها ائتلاف خودشان را اظهار کردند ما هم که اظهار نکردیم که ائتلاف نکردیم مقابل ائتلاف عدم ائتلاف است اما یک چیزی بود که تهمت است و آن حق را نظامنامه ما داده است و از بابت او که تهمت زده شد اینجا باید عرض کنم که در پروگرام

دمو کراتها نوشته شده است که اراضی ناممکن است از دست مالکین گرفته شود و بزارعین داده شود (فرقه دمو کرات اظهار کردند اینطور نیست و برنامه را فرستادند خوانند.)

ماده ۱۷ — تقسیم اراضی خالصه بزارعین و رعایا و فراهم آوردن اسباب همین ترتیب در املاک اربابی بوسیله تأسیس شعب بانک زراعتی در بلوکات و دادن حق تقدم خرید بزارعین در موقع فروش — اینجا نوشته نشده است که بزور بگیرند البته این راجع برضای مالک اوست آنوقت که او میخواهد بفروشد این بخرد کسی دیگر نخرد و ارباب املاک در مالکیت خودشان مختارند این چه دخلی دارد بمسئله دیگر اینکه اینجا صحبت شد که بر فرض یکمدهتی که در اینجا

(فرقه دمو کرات اظهار کردند راجع به اینست) **رئیس** — جلسه را ختم میکنم و فردا منتظرم که پروگرام خودشان را که داده‌اند بیاورند خودشان را معین کنند — جلسه آتیه پنجشنبه و دستور همان دستور است که بود.

(مجلس سه ساعت و ربع از شب ختم شد.)

جلسه ۲۱۵

مذاکرات روز پنجشنبه ۲۳ شهری صفر ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد صورت روز سه شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمودند .

نایب رئیس — آقای ارباب در صورت مجلس نظریاتی داشتید ؟

ارباب کیخسرو — بعد از صورت مجلس اجازه بفرمائید که بنده مسلک خودم را عرض کنم چون پیروز که در آن موضوع صحبت میشد اجازه خواستم نوبت بنده فرسید که عرض کنم

حاج محمد کریم خان — اینکه بنده را غایب نوشته اند چون بعد از اعلان دستور رفته‌ام از این جلسه فوق‌العاده که بعد از آن اعلام شد خبر نداشتم و بعد هم بنده خبر ندادند که روز چهارشنبه جلسه فوق‌العاده خواهد بود .

آقامیرزا احمد — در جلسه گذشته معلوم شد و اغلب از آقایان هم تصدیق کردند که حزب اکثریت نیست و بلوک است و در صورت مجلس حزب اکثریت نوشته شده است .

معزز الملک — بنده هم میخواستم همین را عرض بکنم که چنانچه دیروز هم گفته شد اینرا خوب اسم بگذارند ائتلاف بگویند .

معاضد الملک — اسم این حزب هیئت متعده است ولی چون اینجا حزب گفته شد از این جهت مجبور شدیم حزب بنویسیم ولی حالا که تکلیف شد تغییر خواهیم داد و هیئت متعده خواهیم نوشت .

آقا شیخ رضا — در صورت مجلس اظهارات آقای آقا شیخ اسماعیل و آقای متین رعایا نوشته شده است و اظهارات آقای سلیمان میرزا هم نوشته شده است باینکه اظهارات ایشان را از طرف حزب دمو کرات نبود و چون اظهارات ایشان بعنوان نمایندگی از طرف شعبه پارلمانی حزب دمو کرات